

بخشوده درس:

حقوق جزای عمومی ۳

کرد آورنده:

جناب آقای فرسادارایی

موسسه آموزش عالی فروردین قائم شهر

(علل تخفیف مجازات)

«* علل مخففه قانونی - علل مخففه قضایی - تبدیل مجازات»

سبب های تخفیف مجازات موجباتی است که هرگاه با اوضاع و احوال وقوع جرم قرین گردد مجازات بزه کار تخفیف می یابد. به سبب های تخفیف مجازات که در قانون به آن صراحت شده و قاضی تکلیف به اعمال آن دارد، عذرهای مخففه قانونی گفته می شود. و به سبب هایی که اعطای آن در اختیار قاضی است (هرچند جهات آن هم در قانون تصریح شده باشد) کیفیات مخففه قضایی گفته می شود.

الف) علل مخففه قانونی :

علل تخفیف دهنده قانونی منحصر و محدود به جرایمی است که در قانون پیش بینی شده است. تخفیف مجازات از میزان تقصیر و مسؤولیت بزهکار هیچ گاه نمی کاهد، بلکه این تخفیف پاداش مساعدت بزهکار در کشف جرم و یا جبران کوشش بزهکار در ترمیم آثار زیان بار و صدمات احتمالی ناشی از جرم است، گاه قانونگذار به لحاظ عواطف و احساسات مهرآمیز بزهکار در ارتکاب جرم او را معذور و مستحق تخفیف می شناسد.

در پایین به ذکر مصادیقی از عوامل قانونی مخففه مجازات در قوانین مختلف اشاره می کنیم

۱- همکاری مجرم با مقام قضایی یا انتظامی:

همکاری مجرم با مقامات قضایی و انتظامی گاهی از علل مخففه قانونی مجازات است به موجب ماده ۵۳۱ ق.م.ا ((هرگاه اشخاصی که مرتکب جرایم مذکور در مواد ۵۲۳ تا ۵۳۰ همان قانون (جعل و استفاده از سند مجعول) می شوند قبل از کشف قضیه ، مأمورین تعقیب را از ارتکاب جرم مطلع نمایند و یا..موجبات تسهیل تعقیب سایرین را فراهم آورند حسب مورد در مجازات آنان تخفیف داده می شود و ..))

۳- **رابطه خانوادگی :** در تبصره ذیل ماده ۵۵۴ ق.م.ا آمده است: ((در موارد مذکور در ماده ۵۵۳ و این ماده (اخفاء متهمان و مساعدت در فرار و خلاص آنها از چنگال عدالت) در صورتی که مرتکب از اقارب درجه اول متهم باشد مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین شده بیشتر نخواهد بود.

۴- **کمک راننده خاطی به مصدوم (اعانت) :** طبق تبصره ۲ ماده ۷۱۹ ق.م.ا: ((هرگاه راننده (متخلف) مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند و یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به نحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند دادگاه مقررات تخفیف را درباره او رعایت خواهد نمود.))

ب) علل مخففه قضایی:

در قوانین کیفری ما اصولاً به سه طریق می توان مجازات مجرم را تخفیف داد:

۱- اعمال ماده ۳۷ ق.م.ا

۲- اعمال ماده ۶ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری

۳- اعمال ماده ۲۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری

نخست ، علل مخففه قضایی موضوع ماده ۳۷ ق م ا

اوضاع و احوالی هستند همانند معاذیر مخففه قانونی که سبب کاهش مجازات می گردند با این تفاوت که هرگاه وجود آن ها برای قاضی محرز گردید در اعطای تخفیف مختار است. کیفیات مذکور به طور حصری در هشت بند در ذیل ماده ۳۸ ق.م.ا پیش بینی شده است و قاضی مکلف است آنها را در حکم محکومیت صریحاً قید کند (تبصره ۱ ماده ۳۸)

با اینکه دادگاه علی الاصول در اعطای تخفیف به موجب قانون مختار است لیکن تخفیف آن تابع یک سلسله ضوابطی است که در نهایت اختیار دادگاه را محدود می کند . این ضوابط عبارتند از:

۱- به موجب ماده ۳۷ ق.م.ا دادگاه می تواند در صورت احراز جهات تخفیف فقط مجازات های تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد. به عبارت دیگر مجازات های حدود، قصاص و دیات از قلمرو تخفیف قضایی خارج می باشند.
کیفر اعدام تعزیری ، حبس ابد تعزیری، انفصال دایم که کمیت آنها را نمی توان تقلیل داد قابل تبدیل هستند ، شلاق تعزیری و..... قابل تخفیف می باشند.

اقدامات تأمینی و تربیتی مثل اقامت اجباری قابل تخفیف نیستند به جهت جنبه بازدارندگی و تأمینی شان نسبت به بزهکار و جامعه.

اقدامات تأمینی و تربیتی درمانی و اصلاحی تابع تغییر حالت خطرناک بزهکارند و قابل تخفیف و تبدیل و توقف می باشند.

۲- جرایم نادری در مقررات کیفری می توان یافت که قانون گذار رعایت کیفیات مخفف را با آنکه مجازات آنها تعزیری است منع کرده است. مثل کلاهبرداری. که در چنین حالتی دادگاه مکلف به رعایت ضوابط قانونی مقررات و از اعمال کیفیات مخفف منع شده است. برابر رأی وحدت رویه عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۱۳۷۷/۶/۳۱/۶۲۸ (روزنامه رسمی شماره ۱۵۶۸۴ مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۷) : ((نظر به اینکه کیفر حبس مقرر در ماده یک قانون تشدید مجازات ارتشاء و اختلاس و کلاه برداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام حداقل یک سال و حداکثر هفت سال تعیین شده و به موجب تبصره یک ماده مرقوم، در صورت وجود علل و کیفیات مخففه دادگاه ها مجازند میزان حبس را تا حداقل مدت مقرر تخفیف دهند. تمسک به ماده ۲۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ (ماده ۳۷ فعلی) و تعیین حبس کمتر از حد مقرر در مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام مغایر با موازین قانون است))

۳- اعطای تخفیف به صراحت ماده ۳۷ ق.م.ا با دادگاه است. دادگاه ها اعم از عمومی و انقلاب، نظامی و ویژه روحانیت یعنی رسیدگی و صدور حکم محکومیت در تعیین جهات و اعطای تخفیف صالح اند. هیات منصفه نیز به موجب ماده ۴۳ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ می تواند تخفیف مجازات را به دادگاه عمومی پیشنهاد دهد.

۴- هرگاه دادگاه به موجب یکی از کیفیات مخفف مندرج در ماده ۳۷ مجازات محکوم علیه را تخفیف داده باشد، نمی تواند به موجب همان جهات که در مواد خاص مقرر شده است دوباره در کیفر بزهکار تخفیف قائل شود. (تبصره ۲ ماده ۳۸ ق.م.ا)

۵- دادگاه در میزان تخفیف مجازات محدودیت دارد و نباید تخفیف مجازات منتهی به از بین رفتن مجازات گردد. مثلاً تقلیل حبس به میزان یک یا دو درجه، و تقلیل مجازات های تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر.

۶- دادگاه باید جهات مخففه را احراز کرده و در حکم خود قید نماید و گر نه از جهات نقض دادنامه خواهد بود.

۷- تخفیف مجازات یکی از وسایل تفرید مجازات است که به دادگاه اجازه می دهد مجازات را با نوع جرم، شخصیت مجرم، اوضاع و احوال حاکم بر قضیه و عدالت قضایی تطبیق دهد.

علل و جهات تخفیف مجازات مورد بحث :

علل و جهاتی که ممکن است موجب کیفیات مخففه شود عبارت اند از (ماده ۳۸ ق.م.ا) :

۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی: هرگاه در جرایم غیر قابل گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، شکایت خود را مسترد دارد، دادگاه می تواند مجازات متهم را تخفیف دهد. اگر شکایت کنندگان متعدد باشند گذشت بعضی از آنها کافی است و گذشت همه آنان ضرورت ندارد. همچنین عدول از گذشت در دادگاه مسموع نخواهد بود.

۲- اظهارات و راهنمایی های متهم: اظهارات و راهنمایی های متهم در امر مراجع تعقیب یا کشف جرم و یا دادگاه که در شناختن شرکاء و معاونان جرم و یا کشف اشیائی که از جرم تحصیل شده باشد مؤثر باشد. این قبیل رفتارها در تمامی جرایم می تواند موجب تخفیف مجازات گردد.

۳- اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آنها مرتکب جرم شده باشد: از قبیل رفتار و گفتار تحریک آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافت مندانه در ارتکاب جرم سرقت به انگیزه رفع نیاز از مستمندان. لذا بزهکار چندان از مسئولیت اخلاقی بی بهره نیست و قابل اصلاح است. بنابراین مجازات سخت، چندان مؤثر نیست.

۴- اعلام و اقرار موثر متهم: اعلام متهم قبل از تعقیب یعنی آگاه نمودن مأموران به وقوع جرم و یا اقرار او در مرحله تحقیق نزد مقام تحقیق (بازپرس، دادیاران) و یا دادرسی که مؤثر در کشف جرم باشد، سبب تخفیف مجازات می گردد.

۵- وضع خاص متهم و یا سابقه او: دادگاه می تواند با توجه به وضع اجتماعی، موقعیت شغلی و زندگی متهم و عائله مندی و ندامت و حتی میزان سواد و آشنایی یا جهل متهم به قوانین موضوعه و همچنین سابقه بزهکار در مجازات او تخفیف قائل شود. وضع خاص متهم ممکن است به وضع جسمانی و روانی اعم از کهولت و یا بیماری بزه کار نیز منصرف گردد.

۶- اقدام یا کوشش متهم به منظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن: هرگونه اقدام یا کوشش متهم به قصد تخفیف یا تقلیل آثار جرم چه در اثنای جرم یا پس از آن و نیز جبران زیان مادی و معنوی ناشی از جرم پیش از صدور حکم محکومیت کیفری موجب تخفیف است. مانند تلاش متهم در اطفاء آتش سوزی عمدی که خود سبب آن بوده است و یا جبران خسارت هایی که از این جرم به هم رسیده است.

۷- خفیف بودن زیان وارده به بزه دیده یا نتایج زیان بار آن

۸- مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم.

نکته، با توجه به ماده ۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، دادگاه نظامی در مورد تخفیف مجازات از جهات مخففه قضایی مندرج در قانون مجازات اسلامی استفاده می کند. ده ۱۷ این قانون

نکته، با توجه به ماده ۱۶ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز مصوب ۱۳۹۱/۶/۷ چنان چه دارندگان غیرمجاز انواع اسلحه و مهمات داوطلبانه ظرف ۶ ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون موارد مذکور را به یکی از مراکز نظامی، انتظامی یا امنیتی تحویل دهند از مجازات معاف می شوند و در صورتی که با سلاح مزبور مرتکب جرمی شده باشند فقط به مجازات مقرر در قوانین مربوط به همان جرم محکوم می شوند. ماده ۱۷ این قانون هم به همکاری متهمان با مأموران در کشف سلاح و مهمات به عنوان عذر مخففه اشاره کرده است.

دوم، اعمال ماده ۶ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری (انصراف محکوم از حق تجدیدنظر خواهی و فرجام خواهی)

موضوع ماده ۶ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ که اعمال توأم آن با ماده ۳۷ ق.م.ا بلا مانع است: «در کلیه محکومیت های جنحه ای (جرایمی که در صلاحیت دادگاه عمومی جزایی شهرستان و دادگاه انقلاب

است(غیر از جرم دارای مجازات اعدام) در صورتی که دادستان از حکم صادره تقاضای پژوهش یا فرجام نخواستہ باشد محکوم علیہ می تواند با رجوع بہ دادگاہ صادر کننده حکم ضمن اسقاط حق و انصراف از شکایت پژوهشی یا فرجامی ، با استرداد آن تخفیف در مجازات خود را تقاضا کند در این صورت دادگاہ در وقت فوق العادہ با حضور دادستان بہ موضوع رسیدگی می کند و تا یک چہارم مجازات مندرج در حکم را اعم از حبس یا جزای نقدی را تخفیف می دہد این رأی قطعی است ولی در ہر حال ہیچ مجازات حبسی را با رعایت تخفیف مندرج در این مادہ نمی توان بہ جزای نقدی تبدیل نمود.»

سوم، اعمال مادہ ۲۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاہ های عمومی و انقلاب در امور کیفری(گذشت شاکی پس از قطعیت حکم در جرایم غیر قابل گذشت)

مادہ ۲۷۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۷۹ نیز نوعی تخفیف مجازات را پیش بینی کردہ است کہ مربوط بہ بعد از قطعیت یافتن حکم است:«ہر گاہ شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت، بعد از قطعی شدن حکم از شکایت صرف نظر نماید محکوم علیہ می تواند با استناد بہ استرداد شکایت، از دادگاہ صادر کننده حکم قطعی، درخواست کند کہ در میزان مجازات او تجدیدنظر نماید.در این مورد دادگاہ بہ درخواست محکوم علیہ در وقت فوق العادہ رسیدگی نمودہ و مجازات را در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف خواہد داد این رأی دادگاہ قطعی است.»اگر رأی در داگاہ تجدیدنظر قطعیت یافتہ باشد بہ موجب رأی وحدت رویہ شمارہ ۵۸۳-بہ تاریخ ۱۳۷۲/۷/۶ در دادگاہ تجدیدنظر مورد رسیدگی قرار خواہد گرفت.

دادگاہ در مقام اعمال مادہ ۳۷ باید بہ موارد ممنوعہ قانونی نیز توجہ داشتہ باشد مانند تبصرہ ۵ مادہ ۲ قانون اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، تبصرہ یک مادہ یک و تبصرہ ۶ مادہ ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاہ برداری مصوب ۱۳۶۷، مادہ یک و شش قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۵۳، قانون مبارزہ با مواد مخدر، مادہ ۶ لایحہ قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شہرها مصوب ۱۳۵۹، مادہ ۶۶۶ قانون مجازات اسلامی.

ج) تبدیل مجازات:

تبدیل مجازات عبارت است از تغییر ماہیت مجازات بہ مجازاتی مناسب تر بہ حال متہم. در قوانین کیفری ما، تبدیل مجازات از سہ طریق صورت می پذیرد:

۱- با اعمال بندہای ب ، پ ، ت مادہ ۳۸ ق م ا

۲- با اعمال مواد ۶۴ تا ۷۸ ق م ا(اعمال کیفرهای جایگزین حبس)

۳- با اعمال مادہ ۳ قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت و

نخست، تبدیل مجازات با اعمال بندہای ب ، پ ، ت مادہ ۳۸ ق م ا

شرط اساسی اعمال مادہ فوق ، وجود دست کم یکی از جہات ہشت گانہ مذکور در مادہ ۳۸ است کہ طی آن دادگاہ می تواند ، مجازات تعزیری یا بازدارندہ را تبدیل بہ مجازات از نوع دیگری نماید کہ مناسب تر بہ حال محکوم علیہ باشد. مادہ مذکور یکی از ابزارهای مهم سیاست فردی کردن مجازات ہاست کہ دادگاہ بتواند مجازاتی درخور و موافق با وضع و حال محکوم علیہ با این فرض کہ مجازات قانونی تناسبی با خصوصیات او ندارد تعیین کند. البتہ با توجہ بہ بندہای ب ، پ ، ت مادہ ۳۷ ق م ا تبدیل مجازات، بدون حد و مرز نمی باشد :

در بند ب: تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار محدود شده و در بند پ: تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال و در بند ت، نیز سایر مجازاتهای تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر.

شایان ذکر است با توجه به اطلاق بند ت مذکور، مجازات های اعدام تعزیری، شلاق تعزیری قابل تبدیل می باشند.

دوم، اعمال مواد ۶۴ تا ۷۸ ق م ا (اعمال کیفرهای جایگزین حبس)

تبدیل مجازات حبس به مجازات مناسب تر و یا حتی تبدیل آن به اقدامات تأمینی و تربیتی با احراز شرایط مقرر در مواد فوق امکانپذیر است.

برای تفکیک این مقررات از بندهای ۳ گانه ماده ۳۸ ق م ا همین بس که بندهای ۳ گانه ماده ۳۸ ق م ا دامنه شمول وسیع تری دارد و شامل تبدیل اکثر مجازات های تعزیری به مجازات های دیگر می شود اما مقررات مربوط به اعمال کیفرهای جایگزین حبس، ناگفته پیداست صرفاً می تواند مجازات حبس را به مجازات دیگر تبدیل کند.

مجازات جایگزین حبس عبارت است از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی که با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف تعیین و اجراء می شود. (ماده ۶۴ ق م ا)

در خصوص اعمال کیفرهای جایگزین حبس توجه به نکات زیر ضروری است:

۱- دادگاه در ضمن حکم به سنخیت و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر در ماده ۶۴ تصریح خواهد کرد .

۲- دادگاه نمی تواند به بیش از دو مورد از مجازاتهای جایگزین حکم دهد.

۳- مرتکبین جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها سه ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند.

۴- مرتکبین جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند مگر اینکه به دلیل ارتکاب جرم عمدی به شرح زیر دارای سابقه محکومیت کیفری باشند و از اجراء آن پنج سال نگذشته باشد:

دارای بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا ده میلیون ریال یا شلاق تعزیری باشد؛

یا دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه باشد.

۵- دادگاه می تواند مرتکبین جرائم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال حبس است به مجازات جایگزین حبس محکوم کند، مگر این که شرایط ماده قبل موجود باشد که در این صورت اعمال مجازاتهای جایگزین حبس ممنوع است.

۶- مرتکبین جرائم غیر عمدی به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند. مگر اینکه مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال حبس باشد که در این صورت حکم به مجازات جایگزین حبس اختیاری است.

۷- مرتکبین جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده به مجازات جایگزین حبس محکوم میگردند.

۸- دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین خواهد کرد تا در صورت تعذر اجراء مجازات جایگزین، تخلف از دستورات یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجراء شود.

۹- اعمال مجازاتهای جایگزین حبس در مورد جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است.

۱۰- تعدد جرائم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از شش ماه حبس باشد مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است.

۱۱- در جرائم عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یکسال حبس است در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یکسال دادگاه نم ی تواند حکم به مجازات جایگزین حبس صادر نماید.

۱۲- همراه بودن سایر مجازاتها با مجازات حبس مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس نخواهد بود. در این صورت دادگاه می تواند به مجازاتهای مذکور همزمان با مجازات جایگزین حبس حکم دهد.

۱۳- ملاک تعیین صلاحیت دادگاه و تجدیدنظرخواهی از حکم محکومیت به مجازات جایگزین حبس، مجازات قانونی جرم ارتكابی است.

۱۴- چنان چه رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم حاکی از اصلاح رفتار وی باشد دادگاه می تواند به پیشنهاد قاضی اجراء حکم برای یک بار بقیه مدت مجازات را تا نصف آن تقلیل دهد.

ضمانت اجرای تخلف از اجرای مجازات جایگزین حبس

چنانچه محکوم از اجراء مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجراء احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجراء میگردد. دادگاه در متن حکم آثار تبعیت و تخلف از مفاد حکم را صریحاً قید و به محکوم تفهیم می کند. قاضی اجراء احکام نیز در ضمن اجراء با رعایت مفاد حکم دادگاه و مقررات مربوط، نحوه نظارت و مراقبت بر محکوم را مشخص می نماید. چنان چه اجراء تمام یا بخشی از مجازاتهای جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجراء نشده بعد از رفع مانع اجراء می گردد. چنانچه مانع مذکور به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد شده باشد مجازات اصلی اجراء خواهد شد.

سوم، تبدیل مجازات حبس از طریق اعمال ماده ۳ قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت و

برای اعمال ماده ۳ قانون فوق، احراز شرایط مندرج در ماده ۳۸ و ۶۴ ق م ا ضرورت ندارد ماده ۳ فقط تبدیل الزامی یا اختیاری مجازات حبس به جزای نقدی را پیش بینی کرده است که در پایین به ذکر آن ها مقایسه آن با سایر عوامل تبدیل مجازات می پردازیم:

الف- تبدیل الزامی مجازات های حبس به جزای نقدی :

برابر با قسمتی از ماده ۳۷ ق.م.ا، دادگاه می تواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری یا باز دارنده را به مجازات از نوع دیگری تبدیل نماید. به نظر می رسد این تبدیل بدون حد و مرز نبوده و در این موارد رعایت مواد ۶۴ تا ۸۷ ق م ا و مقررات بند ۱ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی با رعایت بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۱۴۰۲/۱۰۰ مورخ ۱۳۸۹/۱/۱۸ مربوط به افزایش تعرفه های خدمات قضایی لازم الرعایه است.

۱- اگر حداکثر مجازات قانونی جرمی حداکثر سه ماه حبس باشد و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی باشد و شرایط ماده ۶۴ مهیا نباشد برابر بند ۱ ماده ۳ قانون مزبور ، دادگاه مکلف است به جای حبس یا مجازات تعزیری جرایم مزبور، حکم به جزای نقدی از نهصد هزار هزار ریال تا سیزده میلیون ریال صادر کند .

۲- اگر حداکثر مجازات قانونی جرمی حداکثر سه ماه حبس باشد و شرایط ماده ۶۴ ق م ا برای اعمال مجازات جایگزین حبس وجود داشته باشد دادگاه مکلف به جای حبس به مجازات جایگزین حبس از جمله جزای نقدی تا نه میلیون ریال حکم دهد(ماده ۶۴ ق م ا)

۳- اگر حداکثر مجازات قانونی جرمی نود و یک روز تا شش ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس از جمله جزای نقدی از نود میلیون تا هجده میلیون ریال حکم صادر می شود مگر اینکه مرتکب به دلیل ارتکاب جرم عمدی به شرح زیر دارای سابقه محکومیت کیفری باشد و از اجراء آن پنج سال نگذشته باشد:
- دارای بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا ده میلیون ریال یا شلاق تعزیری باشد یا

- دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه باشد.

۴- جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده مرتکب آن به مجازات جایگزین حبس از جمله جزای نقدی از نود میلیون تا هجده میلیون ریال محکوم می شود (ماده ۶۸ ق م ا)

۵- در جرایم غیر عمدی ، مگر این که مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال حبس باشد که در این صورت حکم به مجازات جایگزین حبس از جمله جزای نقدی اختیاری است.

ب- تبدیل اختیاری مجازات به جزای نقدی :

۱- اگر حداقل مجازات حبس ۹۰ روز یا کمتر و آن بیش از ۹۰ روز حبس باشد(مثلا جرم مزاحمت تلفنی موضوع ماده ۶۴۱ ق م ا که حبس آن یک تا شش ماه است.) برابر بند ۲ ماده ۳ قانون نحوه وصول درآمدهای دولت و مصرف آن در امور معین ، دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از نهصد هزار ریال و تا چهل میلیون ریال بدهد .

۲- اگر حداکثر مجازات قانونی جرمی بیش از شش ماه تا یک سال حبس باشد در صورت وجود شرایط برای اعمال کیفرهای جایگزین حبس ، دادگاه می تواند به مجازات جایگزین حبس من جمله جزای نقدی به میزان هجده میلیون ریال تا سی و شش میلیون ریال حکم دهد، (مثلا جرم مزاحمت تلفنی بالا گفته و یا جرم اختفای جسد مقتول موضوع ماده ۶۳۶ همان قانون که سه ماه و یک روز تا یک سال حبس دارد می تواند مشمول مجازات جایگزین حبس از جمله جزای نقدی فوق گردد.) مگر این که شرایط ماده ۶۶ ق م ا موجود باشد که در این صورت اعمال مجازاتهای جایگزین حبس ممنوع است.

۳- در جرائم غیر عمدی که مجازات آن ها بیش از یک سال است دادگاه می تواند به مجازات جایگزین حبس از جمله جریمه نقدی به میزان سی و شش میلیون تا هفتاد دو میلیون ریال حکم دهد

ج- موارد ممنوعیت تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی:

نخست این که با توجه به ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ که از سال ۱۳۷۴ به مورد اجرا گذارده شده است حبس های با حداقل بیش از ۹۰ روز از شمول مقررات تبدیل مجازات خارج و مستثنی شده است. (مثال مجازات حبس جرایم مذکور در مواد ۵۷۰ و ۶۷۳ و ... ق م ا) دوم مستنبط از ماده ۶۶ و ۶۷ ق م ا همچنین مطابق تبصره ماده ۷۱۸ همان قانون امکان تبدیل مجازات قتل غیر عمدی ناشی از تخلفات رانندگی به جزای نقدی در راستای اعمال کیفرهای جایگزین حبس جایز نخواهد بود. در جرایم عمدی حبس های بیش از یکسال را از شمول مقررات تبدیل ، مستثنی و خارج ساخته است .

د- جمع جزای نقدی تبدیل شده با جزای نقدی اصلی :

برابر بند ۳ ماده قانون مزبور ، در صورتی که مجازات حبس با جزای نقدی توأم باشد و به جای حبس و مجازات تعزیری ، جزای نقدی مورد حکم واقع شود هر دو مجازات نقدی جمع خواهد شد .

*اثر علل مخففه قضایی نسبت به مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی:

با احراز جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات قانونی بزهکار را تخفیف داده یا تبدیلی کند. عموماً دادگاه در صدور حکم به تخفیف در مجازات هایی که حداقل و حداکثر آن در قانون مشخص شده است مانند حبس، شلاق و یا جزای نقدی مشکل ندارد. مجازات هایی که کمیت آنها را نتوان تقلیل داد، برای آنکه اخف از مجازاتهای قانونی محسوب شود باید تبدیل به مجازات از نوع دیگری نمود. بنابراین دادگاه می تواند مجازاتی مانند اعدام تعزیری، حبس ابد و انفصال دائم از مشاغل دولتی که در زمره مجازات های اصلی هستند را به کیفر دیگری تبدیل نماید مثلاً اعدام را به حبس تبدیل کند.

پرسش: آیا دادگاه می تواند ضمن اعمال مجازات تکمیلی، علل مخففه را نیز رعایت کند یا خیر؟ اندکی ابهام وجود دارد و عدم امکان آن منطقی تر به نظر می رسد. زیرا اعمال مجازات تکمیلی به معنای عدم کفایت مجازات اصلی است حال آنکه اعمال جهات مخففه به معنای زیاد بودن مجازات اصلی می باشد و این در عمل با یک دیگر تعارض پیدا می کند. **پرسش :** آیا دادگاه ها می توانند با احراز جهات تخفیف ، تدابیر تأمینی و تربیتی را تخفیف دهند و این که اصولاً این تدابیر قابل تخفیف و تبدیل هستند یا خیر ؟

حقوق دانان عقاید متفاوتی ابراز کرده اند، اما از آنجایی که این تدابیر جنبه پیش گیرنده برای مجرمین خطرناک دارند و رفع این حالت خطرناک نیازمند طی سلسله الزاماتی است لذا نمی توان در همان مرحله صدور حکم به تخفیف آن نظر داد. چگونه می توان درباره مدت نگه داری و درمان مجرمین دیوانه و یا معتاد و یا نوجوان بزهکار که دادگاه اصلاح و تربیت او را به یک مؤسسه تربیتی سپرده است از تخفیف سخن گفت؟ علی القاعده تصمیم مرجع قضایی به تخفیف یا تبدیل این قبیل اقدامات تابع تغییر وضع محکوم علیه و در نهایت رفع حالت خطرناک اوست. اختیاری که در چنین مواردی به دادگاه ها داده شده است تجدید نظر در تصمیمات نخستین است.(مواد ۷۷ و ۹۰ ق م ا) زیرا قاعده فراغ دادرسی علی الاصول در این جا جاری نیست.

هم چنین گفتنی است مسأله تأثیر علل مخففه نسبت به آن دسته از تدابیر تأمینی که طبعی دوگانه دارند مانند اقامت اجباری و یا بستن مؤسسه صورت دیگری پیدا می کند. رأی دیوان عالی کشور به شماره ۲۶-۵۳/۳/۱۵ حاکی از این است که اقامت اجباری قابل تخفیف نیست و در واقع بیان گر این واقعیت است که قانون گذار جنبه تأمینی اقامت اجباری یا منع از اقامت را قوی تر از جنبه کیفری آن دانسته است. منع فعالیت کارگاه ها و کارخانه ها و مؤسسات و ... به

سبب وجود حالت خطرناک و جرم زایی کار آنها نوعی تدابیر پیش گیرنده برای دفاع از جامعه است. بنابراین اعمال تخفیف در این خصوص نقض غرض خواهد بود.

نحوه محاسبه بازداشت در حکم به تعیین مجازات فعلی ماده ۲۷ ق م ا

اگر مجازات فعلی حبس باشد مدت بازداشت قبلی در تعیین مدت حبس محاسبه می شود.
اگر مجازات فعلی شلاق باشد هر روز بازداشت معادل یک ضربه شلاق محاسبه می شود.
اگر مجازات فعلی جزای نقدی باشد هر روز بازداشت معادل یکصد هزار ریال محاسبه می شود.
اگر مجازات فعلی متعدد باشد هر روز بازداشت به ترتیب نسبت به حبس ، شلاق و جزای نقدی محاسبه می شود.

در بازداشت بدل از جزای نقدی ماده ۲۸ ق م ا

اگر این بازداشت بدل از جزای نقدی توأم با مجازات حبس باشد بازداشت بدل از جزای نقدی از تاریخ اتمام حبس شروع می شود

حداکثر مدت بازداشت بدل از جزای نقدی از حداکثر مدت حبس مقرر در قانون برای آن جرم بیشتر نخواهد بود و در هر حال مدت بازداشت بدل از جزای نقدی نباید از سه سال تجاوز کند.

سوم: ((علل تشدید مجازات))

«علل مشدده عام – علل مشدده خاص»

سبب های تشدید مجازات، کیفیات و اوصافی است که قانون گذار تعیین کرده و دادرس به محض احراز آن ها برای همان جرم به حداکثر و یا بیش از حداکثر مجازات مقرر در قانون حکم خواهد داد. سبب های مذکور اگر اوضاع و احوالی مقارن جرم خاصی باشد دادگاه مکلف به تشدید مجازات است. در این صورت تشدید مجازات، قرینه معاذیر قانونی در تخفیف مجازات ها است. ولی اگر مختصّ جرم خاصی نباشد، بلکه کیفیاتی عام که هرگاه با هر جرمی مقارن گردد، شرط تشدید مجازات آن جرم به حساب آید، در این حال گاه دادرس به حکم قانون گذار ناگزیر از تشدید مجازات و گاه مختار به ردّ آن است. از جمله جهات عام تشدید یکی تعدد جرم و دیگری تکرار جرم است. سپس کیفیات مذکور از چند حیث قابل طبقه بندی است: در یک طبقه بندی کیفیات مشدده عام در مقابل کیفیات مشدده خاص و در طبقه بندی دیگر کیفیات مشدده عینی در مقابل کیفیات مشدده شخصی قرار می گیرند.

الف) علل مشدده عام: (تعدد جرم – تکرار جرم)

علل مشدده عام به جرم خاصی تعلق ندارد بلکه عموم جرایم را شامل می شود مانند « تعدد جرم » و « تکرار جرم »

۱- تعدد جرم :

تعدد جرم بنا به تعریف عبارت است از ارتکاب جرایم متعدد بدون آنکه متهم برای اتهامات متعدد پیشین خود به محکومیت کیفری قطعی رسیده باشد. خواه جرایم متعدد در فواصل زمانی کوتاهی ارتکاب یافته باشد، چندان که زمان برای تعقیب و محکومیت متهم کافی نبوده و خواه متهم متواری بوده است و یا جرایم او به دلایل گوناگون کشف نشده باشد. به عبارت دیگر می توان گفت مقررات تعدد جرم نسبت به بزهکاری اعمال می شود که مرتکب جرایمی در فواصل زمانی مختلف و یا کوتاه مدت گردیده است ولی به علت عدم دسترسی به متهم و یا عدم کشف جرم و یا به جهات دیگری رسیدگی بعمل نیامده و به طور کلی هنوز حکم قطعی و لازم الاجرا نشده است. تعدد جرم از جهات تشدید مجازات است. زیرا عدالت و انصاف حکم می کند که مجازات کسی که یک بار مرتکب جرم شده و آن کس که چندین بار نظم اجتماعی را مختل ساخته یکسان نباشد. از سوی دیگر ارتکاب جرایم متعدد گاه نشانه ناسازگاری و حالت خطرناک

بزهکار است و از این رو دفاع جامعه اقتضاء می کند که نسبت به بزهکاران ناسازگار تصمیم دیگری جدا از مجازات اتخاذ گردد. مواد ۱۳۱ تا ۱۳۵ ق.م.ا به تعیین ضوابطی برای تعدد جرم اختصاص دارد. تعدد جرم به تعدد مادی (واقعی) و تعدد معنوی (اعتباری) قابل تقسیم است.

-تعدد مادی (واقعی) :

جرائم متعدد به شرطی که در فواصل ارتکاب آن ها، درباره هیچ یک حکم محکومیت قطعی صادر نشده باشد، وضعی را پدید می آورند به نام تعدد مادی. برابر ماده ۱۳۲ ق.م.ا در مورد تعدد جرم، هرگاه جرائم ارتكابی مختلف و یا یکسان باشد همچنین در مواردی که تعداد جرائم بیش از سه جرم باشد یا کمتر از سه جرم دارای آثار متفاوتی خواهد بود که به شرح ذیل قابل تجزیه و تحلیل است.

نخست، اگر تعدد جرم در جرائم حدی اتفاق افتد دو فرض وجود دارد:

۱- اگر جرائم حدی ارتكابی و مجازات آن ها از یک نوع باشد که در این صورت یک مجازات تعیین می شود(قاعده مجازات واحد)مثلاً اگر کسی پنج فقره زناى ساده مرتکب شده باشد صرفاً یک مجازات(صد ضربه تازیانه)تعیین می گردد. استثنائاً برابر تبصره ۴ ماده ۱۳۲ ق م ا چنان چه قذف نسبت به دو یا چند نفر باشد دو یا چند مجازات اجرا می گردد.همچنین در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت غیر حدی یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می شود و مجازات تعزیری ساقط می گردد مگر در حد قذف، که اگر قذف نسبت به کسی و دشنام به دیگری باشد، مرتکب به هر دو مجازات محکوم می شود.(تبصره ماده ۱۳۵ ق م ا)

۲- اگر جرائم حدی ارتكابی و مجازات آن ها متفاوت باشد که در این صورت مجازات های جداگانه تعیین می شود(قاعده جمع مجازات ها)مثلاً اگر کسی مرتکب زناى ساده و شرب خمر و قذف شده باشد به مجموع مجازات آن ها محکوم می شود ۲۶۰ ضربه تازیانه.

در جرائم موجب حد، تعدد جرم موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ارتكابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد. چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجراء خواهد شد.(ماده ۱۳۲ ق م ا)

دوم، تعدد جرم حدی و مستوجب قصاص،

اگر کسی مرتکب جرم حدی و مستلزم قصاص شده باشد مجازات ها جمع می شود(اصل عدم تداخل مجازات ها) لکن چنان چه مجازات حدی، موضوع قصاص را از بین ببرد یا موجب تأخیر در اجراء قصاص گردد، اجراء قصاص، مقدم است و در صورت عدم مطالبه فوری اجراء قصاص یا گذشت یا تبدیل به دیه، مجازات حدی اجراء می شود.برای مثال اگر کسی مرتکب جرائم شرب خمر و قطع عضو عمدی شده باشد به هر دو مجازات محکوم می شود هشتاد ضربه تازیانه برای شلاق و قصاص عضو برای جرم قطع عضو عمدی.

حال اگر مرتکب جرائم سرقت حدی و قطع عضو عمدی دست راست کسی شده باشد چون اجرای مجازات حدی، موضوع قصاص را از بین ببرد، اجراء قصاص، مقدم است مگر در صورت عدم مطالبه فوری اجراء قصاص یا گذشت یا تبدیل به دیه، که در آن صورت مجازات حدی اجراء می شود.

نکته، به طور کلی در صورت تعدد جرم حدی با سایر مجازاتها(دیه و تعزیر)قاعده جمع مجازات ها رعایت می گردد.

سوم، تعدد جرم در جرائم مستوجب قصاص اتفاق افتد

اگر در قتل یا قطع عضو یا جراحت، مجنی علیهم متعدد باشند قاعده جمع مجازات ها اعمال خواهد شد.

اما اگر مجنی علیه واحد باشد به طرق زیر عمل می شود:

۱- تعدد در جراحات منجر به قتل عمدی

- اگر جنایات متعدد با یک ضربه عمدی باشد و همه آنها مشترکاً موجب قتل عمدی شود فقط کیفر قصاص نفس تعیین می شود. (قاعده مجازات واحد)

- اگر جنایات متعدد با ضربات متعدد عمدی باشد همه آنها مشترکاً موجب قتل عمدی شود در صورتی که ضربات به صورت متوالی وارد شده باشد در حکم یک ضربه است؛ فقط کیفر قصاص نفس تعیین می شود. (قاعده مجازات واحد)

- اگر جنایات متعدد با ضربات متعدد عمدی باشد و برخی از جنایات ها موجب قتل و برخی در وقوع قتل مجنی علیه بی تأثیر باشد هم مجازات قصاص نفس، و نیز حسب مورد، قصاص عضو یا دیه جنایت هایی که تأثیری در قتل نداشته است، تعیین خواهد شد

- اگر جنایات متعدد با ضربات متعدد عمدی باشد همه آنها مشترکاً موجب قتل عمدی شود در صورتی که ضربات به صورت متوالی وارد نشده باشد در حکم ضربات متعدد است که هم مجازات قصاص نفس، و نیز حسب مورد، قصاص عضو که جنایت بر آن متصل به فوت نبوده است تعیین خواهد شد. (قاعده جمع مجازات ها). (مواد ۲۹۶ تا ۳۰۰ ق م ا)

۲- تعدد در قطع عضو یا جراحت

- اگر با یک ضربه جنایات متعددی در یک یا چند عضو به وجود آید حق قصاص برای هر جنایت، به طور جداگانه ثابت می شود. (قاعده جمع مجازات ها).

- اگر با چند ضربه جنایات متعددی در یک یا چند عضو به وجود آید حق قصاص برای هر جنایت، به طور جداگانه ثابت می شود. (قاعده جمع مجازات ها). (ماده ۳۸۹)

چهارم، تعدد جرم در جرایم مستوجب دیه اتفاق افتد

برابر با ماده ۵۳۸ ق م ا در تعدد جنایات، اصل بر تعدد دیات و عدم تداخل آنها است مگر مواردی که در قانون خلاف آن شده باشد. (مواد ۵۳۹ تا ۵۴۹ مطالعه شود)

پنجم، تعدد در جرایم تعزیری

- هرگاه جرائم ارتكابی تعزیری حداکثر سه جرم باشد دادگاه برای هر یک از آن جرائم حداکثر مجازات مقرر را مورد حکم قرار می دهد و فقط مجازات اشد قابل اجراء است.

مثلاً شخصی مرتکب سه فقره جرم کلاهبرداری، جعل سند عادی و خیانت در امانت شده باشد دادگاه به ترتیب هفت سال حبس برای کلاهبرداری، دو سال برای جعل و سه سال برای خیانت تعیین می کند و فقط مجازات هفت سال اجرا می گردد.

- هرگاه جرائم ارتكابی تعزیری بیش از سه جرم باشد، دادگاه مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی تعیین می کند، بدون این که از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز کند. در این مورد هم فقط مجازات اشد قابل اجراء است.

مثلاً شخصی مرتکب چهار فقره جرم کلاهبرداری، جعل سند عادی، خیانت در امانت و جیب‌بری شده باشد دادگاه به ترتیب ده سال و نیم حبس برای کلاهبرداری، سه سال برای جعل و چهار سال و نیم برای خیانت در امانت و هفت سال و نیم برای جیب‌بری تعیین می‌کند و فقط مجازات ده سال و نیم اجرا می‌گردد.

و در هر یک از دو مورد فوق اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیرقابل اجرا شود، مجازات اشد بعدی اجرا می‌گردد.

- اگر مجازات فاقد حداقل و حداکثر باشد، اگر جرائم ارتكابی حداکثر سه جرم باشد تا یک چهارم و اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد تا نصف مجازات مقرر قانونی به اصل آن اضافه می‌گردد.

در تعدد جرائم موجب حد و تعزیر و نیز جرائم موجب قصاص و تعزیر مجازات‌ها جمع شده و ابتدا حد یا قصاص اجرا خواهد شد مگر حد یا قصاص، سالب حیات و تعزیر، حق الناس یا تعزیر معین شرعی باشد و موجب تأخیر اجرا حد نیز نشود که در این صورت ابتدا تعزیر اجرا می‌گردد.

مقررات تعدد جرم در مورد جرائم تعزیری درجه هفت و هشت اجرا نخواهد شد. این مجازات‌ها با هم و نیز با مجازات‌های تعزیری درجه یک تا شش جمع خواهد شد.

۲- تعدد معنوی (اعتباری):

تعدد معنوی آن است که یک فعل، مشمول چند توصیف و یا عنوان مجرمانه شود. به عبارت دیگر گاه فعل واحد نقض چندین ماده از قوانین کیفری محسوب شده و به نظر چنین می‌رسد که جرایم متعددی ارتکاب یافته است. مانند این که شخصی با استفاده از سند مجعول (مانند پروانه وکالت جعلی و...) دختر جوانی را فریب داده و راضی به ازدواج با خود می‌نماید، که در این جا به نظرمی رسد دو بزه ارتکاب یافته است یکی استفاده از سند جعلی (موضوع ماده ۵۳۵ ق.م.ا) و دیگری تدلیس در نکاح (موضوع ماده ۶۴۷ ق.م.ا).

اینک پرسش آن است که در تعدد جرم، مرتکب چه میزان مجازات را باید تحمل نماید؟

- بعضی از نظام‌های قانون‌گذاری وجود تعدد معنوی را نفی کرده‌اند و معتقدند که فرض تعدد معنوی ناشی از تعارض میان دو یا چند متن قانونی است و دادرس باید به توجه به قواعد و اصول یکی از آن‌ها را انتخاب نماید.

- در بعضی از نظام‌های قانون‌گذاری تعدد معنوی را به مانند تعدد مادی انگاشته‌اند و براساس آن هرگاه رفتار کسی مصداق عناوین متعدده جرم باشد باید همانند کسی که مرتکب جرایم متعدد مادی شده است با او برخورد نمود.

- اما عده دیگر از جمله قانون‌گذار ما نظریه تعدد جرم را در جرایم مستلزم تعزیر پذیرفته است (در ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ در تمامی جرایم پذیرفته شده بود) طبق ماده ۱۳۱ ق.م.ا: (در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود) باتوجه به این ماده که تعدد معنوی را ملحوظ نظر قرار داده است باید به نکاتی توجه داشت:

نخست، تعدد صرفاً در جرایمی قابل تصور است که مجازات آن در باب تعزیرات مشخص شده باشد و برای یافتن حکم تعدد جرم در موارد دیگر باید به اصول کلی مربوط به تعدد و یا به ابواب فقهی مربوط مراجعه کرد مثلاً مقف تبصره ۲ ماده ۱۳۲ ق م ا: «چنان چه دو یا چند جرم در راستای هم و در یک واقعه باشند فقط مجازات اشد اجرا می‌شود، مانند تفخیز در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اعمال می‌شود.»

هم چنین اگر فعل واحد و اجد دو عنوان جرم، یکی تعزیری و دیگری مستلزم حد، قصاص و یا دیات باشد قانون‌گذار قایل به تعدد مادی و جمع مجازات‌ها شده است. (نگاه کنید به مطالب پیشین و رأی وحدت رویه شماره ۱-۱۳۶۵/۲/۲)

دوم این که، تصور تعدد معنوی وقتی خواهد بود که فعل واحد است اما عناوین متعددی را در خود جمع می کند. مثلاً اگر کسی در اراضی تپه ها و اماکن ملی و مذهبی به قصد استفاده حفاری کند و در عین حال به اشیاء عتیقه دسترسی یابد و آنها را تملک نماید. چون با صرف عمل حفاری تجاوز نیز خود به خود صورت گرفته و فعل واحدی از فردی صادر شده که دارای دو عنوان تجاوز و حفاری غیر مجاز است. در این مورد باید مجازات اشد بین جرایم انجام یافته اعمال شود. و یا سرقت از منزل دیگری که فعل واحد است اما دارای عناوین متعدد است. ورود غیر مجاز به منزل دیگری و دوم انجام سرقت که در این مورد نیز مجازات اشد (کیفر سرقت) مورد حکم قرار می گیرد.

سوم، تعدد اعتباری به مجموع جرایمی نیز اطلاق می شود که در قانون وصف خاصی پیدا کرده است، مانند سرقت مقرون به آزار (ماده ۶۵۲ ق.م.ا) یا سرقت با هتک حرز (ماده ۶۵۶ ق.م.ا) از این ر و قانون گذار در قسمت اخیر ماده ۴۷ قانون بالا اشاره مقرر نموده است: «اگر مجموع جرم ارتكابی در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم خواهد شد»

- در مواردی که فعل واحد دارای عناوین مجرمانه متعددی است که بعضاً در صلاحیت ذاتی مراجع مختلف می باشد و چون موضوع قابل تفکیک نیست و قانوناً فقط یک مجازات می توان تعیین کرد فقط دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به جرم اشد را دارد برای رسیدگی به موضوع صالح است. (نظریه مورخ ۱۳۷۷/۵/۷ کمیسیون بررسی امور حقوقی و قضایی، دیدگاه های قضایی، ص ۸۵)

شایان ذکر است گاه به دلیل پیوند و هم بستگی میان افعال مجرمانه این توهم پیش می آید که افعال مذکور جرایم متعدد نبوده بلکه جرم واحد است. در حکم شماره ۲۷۳۵ مورخ ۱۳۱۷/۱۲/۱۳ شعبه ۲ دیوان عالی کشور چنین آمده است: ((وقتی برگ های مورد دعوی جعل متعدد باشد رعایت ماده ۲ الحاقی ضروری است ولو اینکه همه آنها مربوط به یک موضوع یا یک معامله باشد. مثلاً اگر کسی چند فقره رسید و چند اجاره نامه جعل کند بزه متعدد محسوب است.)) شعبه ۸ دیوان عالی کشور در حکم شماره ۵۱۹۵ - ۱۳۳۸/۱۰/۱۲ بیان می دارد: ((اگر کارمندی از سه نفر در آن واحد رشوه گرفته باشد این تقارن زمان، موجب عدم رعایت تعدد نخواهد بود.)) البته توجه به نکات زیر ضروری است:

- تعدد دفعات انجام رفتار، همیشه موجب تعدد جرم نیست حکم شماره ۴۶۹ - ۱۳۱۹/۲/۲۶ شعبه ۵ دیوان عالی کشور مقرر می دارد: ((اگر کارمندی یک مبلغ، منتها در چند نوبت از کسی رشوه بگیرد، تعدد دفعات تحویل گرفتن وجه مزبور موجب تعدد جرم نخواهد بود.))

هم چنین به موجب حکم شماره ۱۲۸۸ مورخ ۱۳۲۵/۸/۷ شعبه ۲ دیوان عالی کشور: ((بزه سرقت وقتی متعدد محسوب است که محل سرقت مختلف و نوع مال مسروقه و تاریخ ارتکاب متفاوت باشد بنابراین اگر کسی غله موجود در انباری را در ظرف چند روز سرقت کند، چون محل سرقت و نوع مال یکی است بزه متعدد محسوب نمی شود.))

- علت های مختلفی که برای یک جرم وجود دارد موجب تعدد جرم نمی شود مانند ورشکستگی به تقصیر که ممکن است ناشی از علت های مختلف در مواد ۵۴۱ و ۵۴۲ ق.ت باشد زیرا ورشکستگی به تقصیر یک جرم است اگر چه علت آن دو تخلف باشد.

- جرایمی که نتیجه منطقی جرم دیگری هستند یا مقدمه جرم دیگری می باشند معمولاً از قواعد تعدد جرم پیروی نمی کنند، مثلاً اخفای مال مسروقه توسط سارق تعدد جرم تلقی نمی گردد مثلاً اخفای مال مسروقه توسط سارق نتیجه منطقی جرم سرقت می باشد (نظریه مشورتی شماره ۷/۵۳۵ - ۱۳۶۷/۹/۸ اداره حقوقی قوه قضاییه) و موارد خاص نیز نیاز

به تصریح دارد مانند استفاده از سند مجعول توسط جعل کننده سند که ماده ۵۳۵ ق.م.ا و آراء وحدت رویه شماره ۱۱۸۸-۱۳۳۶/۳/۳۰ و ۶۲۴-۱۳۷۷/۱/۱۸ دیوان عالی آن را مستوجب مجازات متعدد می داند.

-تعدد مادی یا واقعی جرم را نباید با عناوین دیگر جرم نظیر جرم مستمر، استمرار یافته، به عادت، مرکب و.... اشتباه کرد.

- فراموش نکنیم اعمال مقررات مربوط به تعدد، در صورتی است که متهم قبل از قطعیت حکم ، مرتکب چند جرم تعزیری شده باشد و شامل موردی که بعد از قطعیت و یا به طریق اولی اجرای حکم، شخص مرتکب جرم جدیدی شود نمی گردد.

-اگر شخصی در یک جرم(سرقت) معاونت کند و در جرم دیگری(جعل) مباشرت نماید آیا می توان قواعد تعدد جرم را در مورد او جاری کرد؟در مورد اجرای قواعد تعدد جرم نسبت به وی ابهام وجود دارد اما از آن جایی که مباشرت در جرم و معاونت در جرم به موجب قانون جرایم مختلفی تلقی شده و برای هر یک مجازات جداگانه تعیین شده، زیرا مباشرت شخصاً مرتکب بزه گردیده اما همین شخص در وقوع سرقت به دیگری کمک کرده که قانون گذار برای این عمل مجازات جداگانه در نظر گرفته است که با مجازات مباشر متفاوت است. گرچه نظر مخالف نیز وجود دارد. (نشست های قضایی نظریه کمیسیون معاونت آموزش قوه قضاییه جلد ۱ ص ۱۴۱)

- دادگاهی که از جهت ارتکاب دو بزه، متهمی را محاکمه می نماید نمی تواند از جهت یکی از دو جرم محکوم کند و نسبت به اتهام دیگر دستور تکمیل تحقیقات دهد. چون احراز دو بزه موجب رعایت قواعد تعدد و تشدید کیفر است و صدور دادنامه بدون رعایت آن تخلف انتظامی است.(رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور ۱۳۲۲)

دوم) تکرار جرم : (مواد ۱۳۶ تا ۱۳۹ ق م ا)

تکرار جرم حالتی است که فردی به موجب حکم قطعی لازم الاجرا از یکی از دادگاه های ایران محکومیت یافته است و بعداً مرتکب جرم دیگری شده است. بنابراین وجه تمایز تکرار جرم از تعدد جرم ، محکومیت قطعی است.

۱-تکرار جرم در حدود

هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است. بنابراین در جرایم حدی اعمال مقررات تکرار جرم منوط به اجرای مجازات حدی در مرتبه های قبلی است.

۲-تکرار جرم در قصاص و دیات

هر کس مرتکب جرم مستوجب قصاص یا دیات شود و محکومیت قطعی پیدا کند و جرم دیگری مرتکب گردد به کیفر جرم جدید هم محکوم می شود .

۳-تکرار جرم در تعزیر

هر کس به موجب حکم قطعی به یکی از مجازاتهای تعزیری از درجه یک تا شش محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجراء مجازات مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری گردد، به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم می شود.

۱-با توجه به اطلاق ماده در جرایم تعزیری عمدی و غیرعمدی قابل اعمال است

۲-در جرایم تعزیری از درجه یک تا درجه شش قابل اعمال است.

- بنابراین در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، دادگاه حق اعمال مقررات تکرار جرم را ندارد.
- ۳- از شرایط تکرار جرم این است که محکومیت قبلی قطعیت یافته باشد و لزوماً اجرای مجازات قبلی شرط نیست (مگر در حدود)، بنابراین با عدم قطعیت حکم قبلی به هر جهتی، اعمال تشدید کیفر نسبت به تکرار جرم موضوع ماده فوق الذکر ممکن نیست. بنابراین ارتکاب جرم در مدت تعلیق مجازات و یا عفو خاص علی رغم عدم اجرای مجازات وعدم ایجاد سابقه کیفری و همین طور آزادی مشروط تا زمانی که مدت آزادی ادامه دارد مشمول احکام تکرار جرم بوده به این معنا در صورت ارتکاب جرم تعزیری دیگر قواعد مربوط به تکرار جرم اجرا خواهد شد.
- ۴- برای تحقق قواعد مربوط به تکرار جرم، لازم نیست مرتکب نظیر جرم اولیه را انجام دهد بلکه ارتکاب هر جرم تعزیری یک تا شش بعد از قطعیت مجازات تعزیری قبلی موجب تشدید کیفر می گردد.
- ۵- میزان تشدید مجازات به علت تکرار جرم مطابق ماده ۱۳۷ قانون مذکور حداکثر مجازات تا یک ونیم برابر آن است استثنائاً برابر ماده ۶۶۶ ق.م.ا در مورد تکرار جرم در سرقت تعزیری مجازات سارق حسب مورد، حداکثر مجازات مقرر در قانون خواهد بود.
- ۵- هرگاه حین صدور حکم، محکومیت های سابق مجرم معلوم نبوده و بعداً معلوم شود، دادستان مراتب را به دادگاه صادر کننده حکم اعلام می کند. در این صورت اگر دادگاه محکومیت های سابق را محرز دانست می تواند طبق مقررات تکرار جرم اقدام نماید. (مستفاد از ماده ۴۸ ق م ا سابق)
- ۶- مقررات مربوط به تکرار جرم در جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم اطفال و البته جرایم تعزیری درجه هفت و هشت اعمال نمی شود.
- ۷- مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرم در مورد آن ها اعمال می شود جاری نمی گردد.
- ۸- در تکرار جرم با وجود محکومیت موثر (موضوع ماده ۲۵ ق م ا)، امکان تعویق و تعلیق منتفی است و در صورت وجود محکومیت غیر موثر امکان تعویق و تعلیق وجود دارد.
- ۹- تکرار جرم با شرایطی مانع اعمال کیفرهای جایگزین حبس می شود. (ماده ۶۶ ق م ا)
- ۱۰- به موجب ماده ۲۷ قانون جرایم رایانه ای در صورت تکرار جرم بیش از دو بار، دادگاه می تواند مرتکب را از خدمات الکترونیکی عمومی از قبیل اشتراک اینترنت، تلفن همراه، اخذنام دامنه مرتبه بالای کشوری و بانکداری الکترونیکی با درجه شش محکوم کند.
- پرسشی که در پایان مبحث تکرار جرم مطرح می گردد این است که آیا دادگاه می تواند با وجود تکرار جرم، در مجازات تعزیری مرتکب تخفیف قایل شود؟
- پاسخ خیر نمی تواند مگر این که جهات تخفیف وجود داشته باشد که در این صورت به شرح ذیل عمل خواهد شد:
- چنان چه مجازات قانونی دارای حداقل و حداکثر باشد، دادگاه می تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر مجازات تقلیل دهد.
- چنان چه مجازات ثابت یا فاقد حداقل باشد، دادگاه میتواند مجازات مرتکب را تا نصف مجازات مقرر تقلیل دهد.
- چنانچه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف قابل اعمال نخواهد بود. به علاوه برابر تبصره ماده ۶۶۶ ق م ا مقرر شده: در تکرار جرم سرقت (تعزیری) در صورتی که سارق سه فقره محکومیت قطعی به اتهام سرقت داشته باشد دادگاه نمی تواند از جهات مخففه در تعیین مجازات استفاده نماید.
- ب) کیفیات مشدده خاص: (کیفیات مشدده عینی - کیفیات مشدده خاص)**

۱- کیفیات مشدده عینی :

کیفیات مذکور وقایعی خارجی هستند که اگر با افعال مادی جرم مقارن گردند بر خطرناکی و حدّت آن می افزایند. برای نمونه می توان به موارد ذیل اشاره کرد :

- **عنف و آزار و جرح** : اذیت و آزار اگر به ضرب و جرح منتهی شود بر وخامت جرم بیشتر می افزاید برای مثال می توان به مواد ۶۵۲ و ۶۲۱ ق.م.ا اشاره نمود.

- **زمان و مکان خاص** : مثلاً ارتکاب جرایم علیه امنیت در زمان جنگ یا ارتکاب جرم سرقت یا ورود غیر مجاز به منزل کسی در شب نیز کیفیتی مشدد به آن می بخشد (به ماده ۵۸۰ و... نگاه کنید)

- **به کار بردن اسلحه** : استفاده از اسلحه گرم و یا سرد از کیفیات مشدد محسوب می شود. بطور مثال کافی است که سارق مسلح باشد و یا تمرد در مقابل مأمورین دولتی (ماد ۶۲۵ و ۶۰۷ ق.م.ا)

۲- کیفیت مشدده شخصی :

کیفیات شخصی به اوصاف و صفاتی که در بزه کار (مباشر، معاون و شریک) وجود دارد گفته می شود به طوری که این کیفیات ، مجازات کسی را که دارای این صفت باشد را تشدید می نماید. به طور نمونه می توان اشاره کرد به:

- **سمت مأمورین دولتی** : داشتن سمت و مأموریت دولتی در برخی از جرایم از موجبات تشدید است (ماده ۵۲۷ ق.م.ا)

- **مستی** : مستی حالتی است که با نوشیدن مسکر ایجاد می شود و شعور و اراده را مختل می سازد (ماده ۷۱۸ ق.م.ا) که کیفر راننده مست را تشدید کرده است.

- **کفر** : در قانون مجازات اسلامی بین مسلمان و کافر بزه کار از نظر میزان کیفر تفاوت هایی به چشم می خورد. برای مثال می توان به ماده ۱۲۱ قانون بالا اشاره نمود که مقرر می دارد در جرم تفخیذ اگر فاعل غیر مسلمان باشد کشته می شود.

- **احسان** : به معنای همسر داشتن است. چنان چه در قانون مجازات اسلامی آمده است (ماده ۲۲۵ ق.م.ا) مجازات زنای زن یا مردی که واجد شرایط احسان است رجم (سنگسار) است.

فصل چهارم :

«تعویق صدور حکم ، تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه آزادی ، آزادی مشروط ، سقوط مجازات -زوال

محکومیت کیفری»

مقدمه : گاه پس از احراز مجرمیت ، صدور حکم به مجازات به تعویق می افتد و یا گاه پس از صدور حکم به محکومیت اجرای مجازات ممکن است به موجب قانون به تعویق بیفتد و یا در مواردی مهلت آن به سر آید. اجرای مجازات گاه در همان آغاز ضمن صدور حکم محکومیت معلق می ماند. گاه در اثنای اجرا، وقفه ای نه چندان دیرپا اجرای آن را موقوف می سازد و سرانجام ممکن است پس از مدتی که از اجرای آن گذشت ادامه آن منقطع گردد.

تعویق یا تأخیرهای بالا گفته هریک موقت اند و اغلب مشروط و مقصود از آن باز سازگاری اجتماعی محکوم علیه است. اگر نتایجی که به دست آمد با هدف های تربیتی منطبق باشد ممکن است قطعی و همیشگی قلمداد گردند و به این ترتیب اجرای مجازات به اتمام رسد.

این وضع با حالتی که از اسقاط مجازات پدید می آید بسیار شبیه است. مجازات ممکن است به این دلیل که از اجرای آن چشم پوشی شده ساقط گردد و یا به دلیل زوال محکومیت، دیگر مناسبتی برای اجرا نداشته باشد. لیکن هریک از بنیادهای تعویق و سقوط مجازات هدف های کاملاً متفاوتی دارند که اقتضاء می کند بحث و بررسی هریک در گفتارهای جداگانه به عمل آید.

الف: تعویق صدور حکم مجازات

تعویق در لغت به معنی بازداشتن، پس افکندن و عقب انداختن است. تعویق در صدور حکم یعنی اختیار مقام قضایی صادر کننده حکم کیفری در جرایم کم اهمیت با مجازات های سبک در به تعویف انداختن صدور حکم کیفری با هدف اصلاح یزهکار فاقد سابقه محکومیت کیفری موثر برای مدتی محدود، همراه یا بدون لزوم اجرای دستورات قانونی.

شرایط تعویق صدور حکم مجازات،

نخست، وجود شرایط عمومی مندرج در ماده ۳۹ ق م ا

- ۱- امکان تعویق صدور حکم فقط در جرایم موجب مجازات های درجه ۶ تا ۸ تعزیری وجود دارد.
 - ۲- تعویق صدور حکم نهادهی اختیاری در دست قاضی است.
 - ۳- تعویق صدور حکم پس از احراز مجرمیت متهم، توسط دادگاه قابل اعمال است.
 - ۴- در نظر گرفتن وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است.
 - ۵- احراز یکی از جهات تخفیف مندرج در ماده ۳۷ ق م ا
 - ۶- پیش بینی اصلاح مرتکب
 - ۷- فقدان سابقه کیفری مؤثر با لحاظ ماده ۲۵ ق م ا
 - ۸- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران،
- نکته: برای تعویق صدور حکم جمیع این شرایط بالا گفته الزامی است
- محکومیت مؤثر، محکومیتی است که محکوم را پس از اجراء حکم، بر اساس ماده (۲۵) این قانون تبعاً از حقوق اجتماعی محروم می کند.

دوم، فقدان محکومیت های کیفری مؤثر ماده ۲۵ ق م ا که عبارتند از:

- محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به مجازات های سالب حیات که اجرای حکم متوقف شده است.
 - محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به مجازات حبس ابد که اجرای حکم متوقف شده است.
 - محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به مجازات قطع عضو.
 - محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به مجازات قصاص عضو.
 - محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به مجازات نفی بلد.
 - محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به مجازات شلاق حدی.
 - محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به مجازات حبس تعزیری از درجه ۱ تا ۵
- سوم، جرم ارتكابی از جرایم مندرج در ماده ۴۶ ق م ا و شروع به این جرایم که قابل تعویق صدور حکم نیستند نباشد جرایم غیر قابل تعویق صدور حکم عبارتند از:**
- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات،
 - جرائم سازمان یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم ربایی و اسیدپاشی،

- قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره کردن مراکز فساد و فحشاء،

- قاچاق عمده مواد مخدر یا روانگردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان،

- تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی الارض،

- جرائم اقتصادی مشروط بر این که میزان موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد با ملاک ماده

۳۶ ق م ا: رشاء - ارتشاء - اختلاس - اعمال نفوذ برخلاف حق - مداخله متصدیان دولتی و کشوری - تبانی در معاملات

خارجی - اخذپورسانت در معاملات خارجی - تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت - جرایم گمرکی - قاچاق کالا - جرایم

مالیاتی - پولشویی - اخلال در نظام اقتصادی کشور - تصرف غیرقانونی در اموال دولتی یا عمومی - صدور چک با علم به

مسدود بودن حساب (ماده ۱۰ قانون صدور چک) - هرنوع جرمی که مستوجب مجازات تعزیری از درجه ۱ تا ۵ باشد

(مفهوم مخالف ماده ۴۵ ق م ا)

نکته: به استناد مواد ۹۳ و ۹۴ تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق م ا مقررات تعویق شامل تعزیرات شرعی نمی شود.

نکته: دادگاه نمی تواند قرار تعویق صدور حکم را به صورت غیابی صادر کند.

نکته: چنان چه متهم در بازداشت باشد، دادگاه پس از صدور قرار تعویق صدور حکم، بلافاصله دستور آزادی وی را صادر

می نماید. دادگاه می تواند در این مورد تأمین مناسب اخذ نماید. در هر صورت اخذ تأمین نباید به بازداشت مرتکب

منتهی گردد.

نکته: دادگاه می تواند در جرائم موجب تعزیر درجه پنج تا هشت با رعایت مقررات این قانون صدور حکم را در مورد

اطفال و نوجوانان به تعویق انداخته یا اجراء حکم را معلق کند

چهارم، مدت تعویق صدور حکم ۶ ماه تا ۲ سال است.

پنجم، تصمیم دادگاه به تعویق صدور حکم به صورت قرار می باشد مانند تأسیس تعلیق اجرای مجازات.

ششم، انواع تعویق صدور حکم: تعویق ممکن است ساده یا مراقبتی باشد.

۱- تعویق ساده: در تعویق ساده مرتکب کتباً متعهد می گردد، در مدت تعیین شده به وسیله دادگاه، مرتکب جرم نشود

و از نحوه رفتار وی پیش بینی شود که در آینده نیز مرتکب جرم نخواهد شد.

۲- تعویق مراقبتی: در تعویق مراقبتی علاوه بر شرایط تعویق ساده مرتکب متعهد می گردد دستورات و تدابیر مقرر

شده به وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجراء گذارد.

ششم، تدابیر هم زمان با تعویق صدور حکم:

- حضور به موقع در زمان و مکانی که مقام قضائی یا مددکار اجتماعی ناظر تعیین می کند،

- ارائه اطلاعات و اسناد و مدارکی که نظارت بر اجراء تعهدات محکوم را برای مددکار اجتماعی تسهیل می کند،

- اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی،

- کسب اجازه از مقام قضائی به منظور مسافرت به خارج از کشور.

نکته: تدابیر یاد شده می تواند از سوی دادگاه همراه با برخی تدابیر معاضدتی، از قبیل معرفی مرتکب به نهادهای

حمایتی باشد.

امکان الزام مرتکب به یکی از چند مورد از دستورات با نظر قاضی در مدت تعویق:

در تعویق مراقبتی دادگاه صادرکننده قرار می تواند مرتکب را با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او بهنحوی که در زندگی محکوم یا خانواد ه اش اختلال اساسی وعمده ایجاد نکند به اجراء یک یا چند مورد از دستورات زیر در مدت تعویق، ملزم نماید:

- حرفه آموزی یا اشتغال به حرفهای خاص،
- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین
- درمان بیماری یا ترک اعتیاد،
- پرداخت نفقه افراد واجبالنفقه،
- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری،
- خودداری از فعالیت حرفهای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن،
- گذراندن دوره یا دورههای خاص آموزش و یادگیری مهارتهای اساسی زندگی یا شرکت در دوره های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی.

هفتم، ضمانت اجرای قرار تعویق صدور حکم (ماده ۴۳ و ۴۴ ق م ا)

-اگر مرتکب در مدت تعویق، مرتکب جرم موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود دادگاه نسبت به لغو قرار تعویق اقدام و حکم محکومیت صادر خواهد کرد.

-اگر مرتکب در مدت تعویق، دستورات دادگاه را اجرا نکند قاضی می تواند برای یک بار تا نصف مدت مقرر در قرار، به مدت تعویق افزوده یا نسبت به صدور حکم محکومیت اقدام کند.

نکته: در صورت الغاء قرار تعویق و صدور حکم محکومیت، صدور قرار تعلیق اجراء مجازات جائز نیست. -با اتمام مدت تعویق، دادگاه با توجه به میزان پابندی مرتکب به اجراء دستورات دادگاه، گزارش های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد نسبت به تعیین کیفری یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام میکند.

نکته، هرگاه پس از صدور قرار تعویق حکم مجازات، دادگاه احراز نماید که محکوم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر یا محکومیت های قطعی دیگری بوده که در میان آنها محکومیت تعویقی وجود داشته و بدون توجه به آن صدور حکم مجازات معوق شده است، قرار تعویق را لغو خواهد کرد. دادستان یا قاضی اجراء احکام کیفری نیز موظف است در صورت اطلاع از موارد فوق لغو تعویق مجازات را از دادگاه درخواست نماید. حکم این ماده در مورد تعلیق اجرای مجازات نیز جاری است.

ب-تعلیق اجرای مجازات:

تعلیق اجرای مجازات اقدامی ارفاقی نسبت به بزهکاران کم خطر برای تشویق جهت خودداری ایشان از ارتکاب جرم مجدد است، در قالب معلق ساختن اجرای تمام یا بخشی از مجازات با رعایت شرایط قانونی (مواد ۴۵ تا ۵۴ ق م ا)

شرایط تعلیق اجرای مجازات

نخست، وجود و احراز شرایط عمومی مندرج در ماده ۴۵ ق م ا

- ۱-امکان تعلیق اجرای مجازات فقط در جرائم تعزیری درجه شش تا هشت وجود دارد
- ۲-تعلیق اجرای مجازات نهادی اختیاری در دست قاضی است.
- ۳-تعویق صدور حکم پس از احراز مجرمیت متهم، توسط دادگاه قابل اعمال است.
- ۴-در نظر گرفتن وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است

- ۵- احراز یکی از جهات تخفیف مندرج در بند های ۸ گانه ماده ۳۷ ق م ا
- ۶- پیش بینی اصلاح مرتکب
- ۷- فقدان سابقه کیفری مؤثر با لحاظ ماده ۲۵ ق م ا
- ۸- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران،
- ۹- امکان تعلیق اجرای تمام یا قسمتی از مجازات از طریق قاضی وجود دارد.
- نکته:** برای تعویق صدور حکم جمیع این شرایط بالا گفته الزامی است.
- نکته،** تعلیق اجراء مجازات محکوم، نسبت به حق مدعی خصوصی تأثیری ندارد و حکم پرداخت خسارت یا دیه در این موارد اجراء خواهد شد.
- محکومیت مؤثر، محکومیتی است که محکوم را پس از اجراء حکم، بر اساس ماده (۲۵) این قانون تبعاً از حقوق اجتماعی محروم می کند.
- دوم، فقدان محکومیت های کیفری مؤثر ماده ۲۵ ق م ا که عبارتند از:**
- محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به مجازات های سالب حیات که اجرای حکم متوقف شده است.
 - محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به مجازات حبس ابد که اجرای حکم متوقف شده است.
 - محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به مجازات قطع عضو.
 - محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به مجازات قصاص عضو.
 - محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به مجازات نفی بلد.
 - محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به مجازات شلاق حدی.
 - محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به مجازات حبس تعزیری از درجه ۱ تا ۵
- سوم، جرم ارتكابی از جرایم مندرج در ماده ۴۷ ق م ا و شروع به این جرایم که قابل تعلیق اجرای مجازات نیستند نباشد این جرایم (جرایم غیر قابل تعلیق اجرای مجازات) عبارتند از:**
- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات،
 - جرائم سازمانی افته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم ربایی و اسیدپاشی،
 - قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره کردن مراکز فساد و فحشاء،
 - قاچاق عمده مواد مخدر یا روانگردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان،
 - تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی الارض،
 - جرائم اقتصادی مشروط بر این که میزان موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد. که با ملاک ماده ۳۶ ق م ا می توان جرایم ذیل را نام برد:
- رشاء - ارتشاء - اختلاس - اعمال نفوذ برخلاف حق - مداخله متصدیان دولتی و کشوری - تبانی در معاملات خارجی -
 - اخذپورسانت در معاملات خارجی - تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت - جرایم گمرکی قاچاق کالا - جرایم مالیاتی -
 - پولشویی - اختلال در نظام اقتصادی کشور - تصرف غیرقانونی در اموال دولتی یا عمومی - صدور چک با علم به مسدود بودن حساب (ماده ۱۰ قانون صدور چک) - هرنوع جرمی که مستوجب مجازات تعزیری از درجه ۱ تا ۵ باشد (مفهوم مخالف ماده ۴۵ ق م ا)

نکته: در جرم اختلاس، فقط در صورتی که مرتکب قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد دارد، دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می نماید و اجرای مجازات حبس را معلق می نماید (تبصره ۳ ماده ۵ ق ت م م ۱۱ ک)

نکته: با توجه به تبصره ۳ ماده ۷۰۳ ق م ا، خرید، فروش، در معرض فروش قرار دادن، حمل، نگهداری و در اختیار دیگری قرار دادن و قاچاق مشروبات الکلی غیر قابل تعلیق هستند البته به این که این جرایم از شمول مجازات های تعزیری درجه ۶ تا ۸ خارج باشند.

نکته: به استناد تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق م ا مقررات تعویق شامل تعزیرات شرعی نمی شود.

نکته: اقدامات تأمینی و تربیتی از شمول تعلیق اجرای مجازات خارج می باشند.

نکته: در صورت الغاء قرار تعویق و صدور حکم محکومیت، صدور قرار تعلیق اجراء مجازات جائز نیست.

نکته: دادگاه می تواند در جرائم موجب تعزیر درجه پنج تا هشت با رعایت مقررات این قانون صدور حکم را در مورد اطفال و نوجوانان به تعویق انداخته یا اجراء حکم را معلق کند.

نکته: در مواردی که به موجب قوانین اداری و استخدامی، محکومیت کیفری موجب انفصال است در صورت تعلیق، محکومیت معلق، موجب انفصال نخواهد بود، مگر آنکه در قانون تصریح یا قرار تعلیق لغو شده باشد.

چهارم، مدت تعلیق اجرای تمام یا قسمتی از مجازات یک تا پنج سال است.

نکته: در صورتی که قسمتی از مجازات یا یکی از مجازات های مورد حکم معلق شده باشد، مدت تعلیق از زمان خاتمه اجراء مجازات غیر معلق احتساب خواهد شد.

پنجم، زمان صدور قرار تعلیق اجرای مجازات:

۱- ضمن صدور حکم محکومیت

۲- پس از صدور حکم محکومیت که در این حالت، دادستان یا قاضی اجراء احکام کیفری نیز پس از اجراء یک سوم مجازات می تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می تواند پس از تحمل یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجراء احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید. ششم، تصمیم دادگاه به تعلیق اجرای مجازات به صورت قرار می باشد مانند تأسیس تعویق صدور حکم مجازات

نکته: دادگاه نمی تواند قرار تعلیق صدور حکم را به صورت غیابی صادر کند.

نکته: چنان چه متهم در بازداشت باشد و دادگاه مجازات وی را به طور کلی معلق نماید متهم فوراً آزاد می شود.

هفتم، انواع تعلیق صدور حکم: تعلیق ممکن است ساده یا مراقبتی باشد.

۱- تعلیق ساده: در تعلیق ساده مرتکب کتباً متعهد می گردد، در مدت تعیین شده به وسیله دادگاه، مرتکب جرم نشود و از نحوه رفتار وی پیش بینی شود که در آینده نیز مرتکب جرم نخواهد شد.

۲- تعلیق مراقبتی: در تعلیق مراقبتی علاوه بر شرایط تعلیق ساده مرتکب متعهد می گردد دستورات و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدت تعلیق رعایت کند یا به موقع اجراء گذارد.

نکته: دادگاه به هنگام صدور قرار تعلیق صریحاً به محکوم اعلام میکند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرائم ماده ۴۷ ق م ا شود، افزون بر مجازات جرم اخیر، مجازات معلق نیز درباره او اجراء می شود.

هشتم، تدابیر هم زمان با تعلیق صدور حکم :

- حضور به موقع در زمان و مکانی که مقام قضائی یا مددکار اجتماعی ناظر تعیین می کند،
 - ارائه اطلاعات و اسناد و مدارکی که نظارت بر اجراء تعهدات محکوم را برای مددکار اجتماعی تسهیل می کند،
 - اعلام هر گونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی،
 - کسب اجازه از مقام قضائی به منظور مسافرت به خارج از کشور.
- نکته:** تدابیر یاد شده می تواند از سوی دادگاه همراه با برخی تدابیر معاضدتی، از قبیل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی باشد.

- امکان الزام مرتکب به یکی از چند مورد از دستورات با نظر قاضی در مدت تعلیق :

- در تعلیق مراقبتی دادگاه صادر کننده قرار می تواند مرتکب را با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی محکوم یا خانوادۀ اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند به اجراء یک یا چند مورد از دستورات زیر در مدت تعویق، ملزم نماید:
- حرفه آموزی یا اشتغال به حرفه های خاص،
 - اقامت یا عدم اقامت در مکان معین
 - درمان بیماری یا ترک اعتیاد،
 - پرداخت نفقه افراد واجبالنفقه،
 - خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری،
 - خودداری از فعالیت حرفه های مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن،
 - گذراندن دوره یا دوره های خاص آموزش و یادگیری مهارت های اساسی زندگی یا شرکت در دوره های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی.

نهم، ضمانت اجرای قرار تعلیق مجازات (مواد ۵۰ تا ۵۴ ق م ا)

- اگر مرتکب در مدت تعلیق، مرتکب جرم موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجراء حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادر کننده قرار تعلیق اعلام می کند

- اگر مرتکب در مدت تعویق، دستورات دادگاه را بدون عذر موجه اجرا نکند دادگاه صادر کننده حکم قطعی می تواند به درخواست دادستان یا قاضی اجرای احکام، برای بار اول یک تا دو سال به مدت تعلیق اضافه کرده یا قرار تعلیق را لغو نماید. تخلف از دستور دادگاه برای بار دوم، موجب الغاء قرار تعلیق و اجراء مجازات خواهد بود.
- هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق مرتکب جرم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت نشود، محکومیت تعلیقی بی اثر خواهد شد.

- نکته،** هرگاه پس از صدور قرار تعلیق، دادگاه احراز نماید که محکوم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر یا محکومیت های قطعی دیگری بوده که در میان آنها محکومیت تعلیقی وجود داشته و بدون توجه به آن اجراء مجازات معلق شده است، قرار تعلیق را لغو خواهد کرد. دادستان یا قاضی اجراء احکام کیفری نیز موظف است در صورت اطلاع از موارد فوق لغو تعلیق مجازات را از دادگاه درخواست نماید. حکم این ماده در مورد تعویق صدور حکم نیز جاری است.

امکان استفاده از نهاد تعلیق و تعویق در صورت تعدد یا تکرار جرم

در ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی سابق به عدم امکان تعلیق در جرایم متعدد تصریح شده بود اما در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۱ چنین ماده ای دیده نمی شود البته در شرایط تعلیق (که همان شرایط تعویق صدور حکم است) در بند ت ماده ۴۰ قانون جدید، فقدان سابقه کیفری موثر، شرط اعطای آن عنوان شده است. حال سوال این است که آیا منظور از این بند منع تعلیق در تکرار است یا تعدد؟

محکومیت موثر در ماده ۴۰ محکومیتی دانسته شده است که محکوم را به تبع اجرای حکم، بر اساس ماده ۲۵ از حقوق اجتماعی محروم می کند. در صدر ماده ۴۶ تعلیق اجرای مجازات، منوط به وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم گردیده است که یکی از این شرایط «فقدان سابقه کیفری موثر» می باشد. لذا در تکرار جرم تردیدی وجود ندارد که به دلیل وجود سابقه کیفری، (به شرط موثر بودن به شرح تبصره ماده ۴۰) امکان تعلیق اجرای مجازات وجود ندارد. اما در خصوص تعدد جرم به دو دلیل امکان تعلیق وجود دارد: نخست، با حذف ماده ۳۶ قانون سابق و عدم تصریح آن در مقررات جدید، هیچ گونه منع قانونی در اعمال قواعد تعلیق مجازات در باب تعدد جرم دیده نمی شود. دوم این که، در موضوه تعدد جرم، سابقه محکومیت اعم از موثر یا غیر موثر وجود ندارد، لذا شمول قواعد تعلیق در تعدد جرم امکان پذیر خواهد بود. س به طور کلی می توان گفت امکان تعویق و تعلیق اجرای مجازات در حالت تعدد جرم اعم از تعدد مادی و معنوی وجود دارد، در حالت تکرار جرم در صورت وجود محکومیت کیفری موثر، امکان تعویق صدور حکم تعویق صدور حکم یا تعلیق مجازات وجود ندارد، این بدان معناست که در حالت تکرار جرم، در صورت وجود محکومیت کیفری غیر موثر، امکان استفاده از این دو نهاد ارفاقی (تعویق و تعلیق) وجود دارد. با توجه به این توضیحات رأی وحدت رویه شماره ۱۳۵۹/۲/۱۲-۱۴۶۰ در خصوص منع تعلیق در جرایم متعدد، دیگر نمی تواند قابل استناد باشد.

ج- نظام نیمه آزادی

نظام نیمه آزادی، شیوه‌ای است که بر اساس آن محکوم می تواند در زمان اجراء حکم حبس، فعالیت های حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، درمانی و نظایر این ها را در خارج از زندان انجام دهد. اجراء این فعالیت ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می شود.

شرایط اعطای نظام نیمه آزادی

۱- نظام نیمه آزادی مختص محکومین به حبس های تعزیری درجه پنج تا هفت می باشد (محکومین به حبس های ۳ ماه و یک روز تا ۵ سال)

۲- اعطای نظام نیمه آزادی تأسیسی است اختیاری در دست دادگاه صادر کننده حکم قطعی.

۳- اعطای نظام نیمه آزادی مشروط است به :

۱. گذشت شاکی خصوصی

۲. سپردن تأمین مناسب

۳. تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه دیده مؤثر است

۸- رضایت محکوم علیه به دریافت نظام نیمه آزادی. تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد. همچنین محکوم می تواند در طول دوره تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی خواهد بود.

د- نظام آزادی مشروط یا parole

مفهوم آزادی مشروط، یعنی اختیار دادگاه صادر کننده حکم در آزاد کردن محکوم به حبس از زندان پیش از اتمام مدت محکومیت منوط به احراز شرایط مقرر در قانون با هدف امکان بزهکار و محدود سازی آثار منفی حبس بزهکاران (مواد ۵۷ تا ۶۲ ق م ا) آزادی مشروط فرصت و مجالی است که پیش از پایان دوره محکومیت به محکومان در بند داده می شود تا چنان چه در طول مدتی که دادگاه تعیین می کند از خود رفتاری پسندیده نشان دهند و دستورهای دادگاه را به موقع اجرا بگذارند، از آزادی مطلق برخوردار شوند. در واقع اعطای آزادی محکومان زندانی قبل از مدت مقرر توسط دادگاه صادر کننده حکم قطعی، پاسخی است به یکی از اهداف مجازات که اصلاح بزه کار و آماده ساختن وی برای برگشت به زندگی اجتماعی است. وقتی قرائن حاکی از آمادگی محکوم علیه زندانی برای بازگشت به جامعه و ادامه یک زندگی شرافت مندانانه است باید موجبات این انطباق اجتماعی را فراهم ساخت تا از محیط جرم زای زندان و تماس با بزه کاران حرفه ای در امان و مصون بماند. اعطای آزادی مشروط از طرف دادگاه قانوناً ارفاق تلقی می شود و بنابراین رد تقاضا قابل شکایت نیست. آزادی مشروط شامل کلیه زندانیان اعم از زن و مرد و با هر سن و سالی در صورت وجود شرایطی می گردد.

شرایط اعطای آزادی مشروط از لحاظ کیفیت مجازات

- ۱- اعطای نظام آزادی مشروط فقط مختص حبس های تعزیری است.
- ۲- اعطای نظام آزادی مشروط نهادی اختیاری در دست دادگاه صادر کننده حکم می باشد.
- ۳- اعطای نظام آزادی، در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال، مستلزم تحمل نصف مدت محکومیت است.
- ۴- اعطای نظام آزادی، در مورد محکومان به حبس ده سال و کمتر از آن، مستلزم تحمل یک سوم مدت محکومیت است

نکته، اعطای آزادی مشروط منوط به این شرط است که محکوم علیه نصف مدت محکومیت در حبس های بیش از ۱۰ سال و یک سوم مدت محکومیت در حبس های ۱۰ سال و کمتر از آن را گذرانده باشد. ملاک احتساب در این موارد مدت زمانی است که در حکم دادگاه قید شده و به اجرا در آمده است. همین حکم در مورد مجازات تقلیل یافته پس از عفو نیز صادق است. یعنی همواره ملاک احتساب نصف یا یک سوم مجازات مقرر در دادنامه است. بنابراین اگر کسی به فرض به حداکثر مجازات جرمی که ۱۵ سال محکوم گردد و پس از عفو، مجازات او به ۱۰ سال تقلیل یابد، به شرطی می تواند از آزادی مشروط استفاده کند که نصف ۱۵ سال یعنی هفت سال و نیم حبس مقرر در حکم را تحمل کرده باشد.

شرایط اعطای آزادی مشروط در ارتباط با محکوم

- ۱- لزوم حسن اخلاق و رفتار مستمر محکوم در مدت اجراء مجازات .
- قانون گذار از میان محکومان به حبس کسانی را شایسته استفاده از آزادی مشروط شناخته است که در مدت اجرای مجازات مستمراً از خود حسن اخلاق نشان داده باشد . در هر حال هیچ گاه نباید تنها به ظواهر رفتار زندانیان که ممکن است به انگیزه نیل به آزادی در حفظ آن بسیار بکوشند اکتفا کرد.

- ۲- پیش بینی عدم ارتکاب جرم پس از آزادی مشروط
- دادگاه باید از اوضاع و احوال دریابد که محکوم علیه زندانی پس از آزادی دیگر مرتکب جرم نخواهد شد. شاید بتوان یکی از قرائن را، همان حسن رفتار زندانی در مدت اجرای حکم فرض کرد. البته پی بردن به این اوضاع و احوال، کاری دقیق و نیازمند جلب نظر کارشناس است، و گر نه ممکن است در این باره به قضاوتی نادرست رسید و جامعه را با خطر دیگری روبرو ساخت.

۳- احراز این دو شرط به همراه احراز انقضاء مدت های قانونی مستلزم گزارش رئیس زندان محل و تأیید قاضی اجرای احکام است.

۴- پرداخت ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی توسط محکوم یا ترتیب دادن قراری برای پرداخت آن .

معمولاً دادگاه ها در پرونده هایی که شاکی دارد در صورت عدم جلب رضایت شاکی و یا عدم پرداخت ضرر و زیان، حکم به رد درخواست آزادی مشروط می دهند. افلاس یا اعسار محکوم علیه مانع استفاده وی از آزادی مشروط یا احراز شرایط دیگر نیست. ولی باید اعسار یا افلاس مورد ادعا، مورد قبول و دادگاه و صدور حکم در این موارد شده باشد.

۵- عدم استفاده قبلی از آزادی مشروط. حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی دیگر مرتکب جرم نخواهد شد،

تشریفات اعطای آزادی مشروط

۱- احراز شرایط و گزارش آن توسط رئیس زندان محل

۲- تأیید قاضی اجرای احکام کیفری

۳- پیشنهاد توسط دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری

۴- ارزیابی دادگاه صادر کننده حکم

صدور حکم آزادی مشروط توسط دادگاه صادر کننده حکم قطعی می باشد. در صورت انحلال دادگاه صادر کننده حکم قطعی، با دادگاه جانشین است. اگر حکم دادگاه های عمومی و انقلاب مورد اعتراض و تجدید نظر قرار گیرد، در صورتی که آن حکم عیناً تأیید گردد، دادگاه صادر کننده دادنامه محکومیت قطعی و در نتیجه مرجع صالح برای اعطای آزادی مشروط همان دادگاه های عمومی و انقلاب است ولی چنانچه حکم دادگاه های عمومی و انقلاب با اصلاحات و یا تغییراتی در مرجع تجدید نظر، مورد تجدید نظر قرار گرفته باشد دادگاه صالح برای اعطای آزادی مشروط یعنی در واقع دادگاه صادر کننده حکم قطعی محکومیت را باید دادگاه تجدید نظر دانست.

نکته، اعطای آزادی مشروط در قالب «حکم» و تعلیق و تعویق در قالب «قرار» است.

مدت آزادی مشروط

اصولاً مدت آزادی مشروط شامل بقیه مدت مجازات است، لکن دادگاه می تواند مدت آن را تغییر دهد. در هر حال مدت آزادی مشروط نمی تواند کمتر از یکسال و بیشتر از پنج سال باشد مگر در مواردی که مدت باقی مانده کمتر از یک سال باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه مدت حبس است.

- امکان الزام آزاده مشروط به یکی از چند مورد از دستورات با نظر دادگاه در مدت آزادی :

دادگاه می تواند با توجه به اوضاع و احوال وقوع جرم و خصوصیات روانی و شخصیت محکوم، او را در مدت آزادی مشروط، به اجراء دستور یا دستورهای مندرج در تعویق صدور حکم، ملزم کند :

- حرفه آموزی یا اشتغال به حرفه های خاص،

- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین

- درمان بیماری یا ترک اعتیاد،

- پرداخت نفقه افراد واجبالنفقه،

- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری،

- خودداری از فعالیت حرفه ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن،

- گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت های اساسی زندگی یا شرکت در دوره های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی
دادگاه دستور یا دستورهای مذکور و آثار عدم تبعیت از آنها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید را در حکم خود قید و به محکوم تفهیم می کند.

آثار آزادی مشروط

- هرگاه محکوم در مدت آزادی مشروط، مرتکب جرم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود، علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقی مانده محکومیت نیز به اجرا در می آید.
- اگر مرتکب در مدت آزادی مشروط، دستورات دادگاه را بدون عذر موجه اجرا نکند دادگاه صادر کننده حکم قطعی، برای بار اول یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط اضافه می کند در صورت تخلف از دستور دادگاه برای بار دوم، باقی مانده مدت محکومیت به اجرا در می آید.

- هرگاه محکوم در مدت آزادی مشروط، مشمول هیچ یک از بند های فوق نگردد آزادی او قطعی خواهد شد.

شرایط نظارت با سامانه های الکترونیکی در قالب نظام اعطای آزادی مشروط (ماده ۶۲ ق م ا)

- ۱- این نحوه نظارت در مورد محکومین به حبس های تعزیری درجه ۵ تا ۸ (حبس تا ۵ سال) قابل اعمال است
- ۲- برای اعمال این نوع نظارت شرایط مقرر در تعویق مراقبتی باید احراز گردد (مواد ۴۱ و ۴۳ ق م ا)
- ۳- این نحوه نظارت مستلزم اخذ رضایت محکم است.
- ۴- محدوده مکانی تحت نظارت باید شخص باشد.
- ۵- در طی مدت نظارت، محکوم می تواند تابع تدابیر نظارتی یا دستورات مربوط به قرار تعویق و تعلیق مراقبتی قرار گیرد.

سقوط مجازات و زوال محکومیت کیفری

۱- فوت محکوم علیه:

با فوت محکوم علیه مجازات ساقط می شود. اقتضای اصل شخصی بودن مجازات این است که با گسیختن رشته حیات بزه کار اجرای مجازات متوقف شود و حتی حرمت متوفی پس از مرگ حفظ گردد. علی الاصول دامنه اجرای مجازات محدود به بزه کار و تنها کسانی است که موجبات جرم را فراهم آورده اند. (ماده ۶ ق.آ.د.ک) فوت متهم در مرحله تعقیب موجب صدور قرار موقوفی تعقیب است. فوت محکوم علیه قبل از اجرای حکم یا حین اجرای حکم، موجب سقوط مجازاتهای بدنی مثل اعدام، شلاق و جزای نقدی می گردد. به طور مثال هرگاه کسی که مرتکب قتل مستوجب قصاص

شده است، بمیرد قصاص و دیه ساقط می شود (ماده ۲۵۹ ق.م.ا) با وجود این، دیه که نوعی مجازات با ماهیت دین است و جنبه مالی دارد بعد از فوت محکوم علیه از ماترک متوفی قابل استیفاء می باشد. فوت محکوم علیه تأثیری بر اقدامات تأمینی عینی از نوع ضبط اموال ندارد.

۲- جنون پس از صدور حکم قطعی

البته جنون مرتکب در سه مرحله ممکن است حادث شود:

الف- جنون در حین ارتکاب جرم:

متهم در حین انجام عنصر مادی جرم یا همان لحظه ارتکاب جرم دیوانه باشد فرق نمی کند دیوانه دائمی باشد یا دیوانه ادواری. که از موارد رافع مسئولیت کیفری است و دیوانه مجازات نمی شود و فقط اگر خسارتی وارد کرده باشد ضمان مالی دارد. در ماده ۶ ق.آ.د.ک. وجود جنون در حین ارتکاب جرم از موارد منع دائمی تعقیب دعوای عمومی است و قرار موقوفی تعقیب صادر می شود.

ب- جنون در حین تحقیقات و رسیدگی:

به استناد ماده ۶ ق.آ.د.ک این نوع از جنون از موانع موقت تعقیب دعوای عمومی است که تا زمان افاقه متهم تعقیب متوقف می ماند. و به استناد تبصره ماده ۱۴۹ ق.م.ا مقام قضایی می تواند دستور نگهداری متهم در محلی مناسب را صادر نماید تا پس از بهبودی رسیدگی از سر گرفته شود.

ج- جنون پس از صدور حکم قطعی :

به استناد مواد تبصره ماده ۱۴۹ ق.م.ا و ماده ۵ آیین نامه نحوه اجرای احکام قصاص (نفس یا عضو) ، رجم ، قتل ، صلب ، اعدام و شلاق ، با حدوث جنون ساقط نمی شوند . در جرایم موجب تعزیر، جنون مسقط مجازات نیست. (ماده ۲۸۹ و تبصره ماده ۲۹۱ ق آ د ک)

-در جرایم مستوجب حبس مدت نگهداری متهم در بیمارستان روانی جزو مدت مجکومیت وی محاسبه می شود.

۳- عفو

عفو در لغت به معنای گذشت، مغفرت، آمرزیدن و... آمده است. اما در اصلاح حقوق کیفری عفو به معنای اقدامی است که با تصویب نهادهای حکومتی اعم از نهاد رهبری، قوه مقننه به منظور موقوف نمودن تعقیب متهمان و یا بخشودن تمام یا قسمتی از مجازات محکومان صورت می گیرد. در واقع عفو وسیله ای است برای اسقاط تعقیب دعوی و یا متوقف ساختن اجرای حکم. اعطای عفو بر حسب مرجع اعلام کننده به عفو عمومی یا عام و عفو خصوصی یا خاص قابل تقسیم است. عفو عمومی از طریق قوه مقننه و عفو خصوصی به پیشنهاد قوه قضائیه از طریق مقام رهبری اعطا می شود. مقررات اجرایی عفو و بخشودگی به موجب آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی ۱۳۷۲/۱۰/۸ می باشد که در تاریخ ۱۳۷۱/۱۲/۱۶ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده است.

الف - عفو عام (ماده ۹۷ و ۹۸ ق م ا)

عفو عمومی که به موجب قانون در جرائم موجب تعزیر اعطاء می شود.

در صورت تصویب قانون عفو عمومی قبل از تعقیب متهم قانون عفو عمومی تصویب می شود امکان تعقیب متهم از دادسرای سلب می شود (رأی وحدت رویه شماره ۲۴ و ۲۵ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۶)

در صورت تصویب قانون عفو عمومی پس از ارتکاب جرم و تعقیب متهم و قبل از محکومیت دعوای عمومی ساقط می شود و مقام قضایی مکلف به صدور قرار موقوفی تعقیب است.

همه مباشرین و شرکاء و معاونین از عفو عمومی بهره می برند.

عفو عمومی شامل کلیه محکومان و متهمان به جرایم مورد عفو است.

تمام مجازات های اصلی ، تکمیلی و تبعی را ساقط می نماید.

عدم تأثیر محکومیت مذکور در اعطای آزادی مشروط و تعلیق مجازات

قاعده تکرار جرم شامل متهم در آینده نخواهد شد.

عفو عمومی تأثیری در حق خصوصی (پرداخت دیه و جبران خسارت زیان دیده) ندارد.

عفو عمومی رافع مسولیت انتظامی نمی باشد.

دعوی خصوصی پابرجا می ماند. عفو عمومی از اراده مقنن نشأت می گیرد و جزو قواعد آمره است .

معمولاً پس از بروز انقلاب های سیاسی و بحران های اجتماعی واقع می شود.

قانون عفو عمومی گاهی ساده و بی قید و شرط است. ولی در مواردی هم شمول آن به ذینفع، مشروط به انجام امری است. مثلاً برگرداندن سرمایه به کشور در مورد جرایم مربوط به مبادلات ارزی می تواند شرط استفاده از قانون عفو عمومی باشد و یا تحویل اسلحه و مهمات (قانون معافیت کیفری تحویل دهندگان اسلحه قاچاق مصوب ۱۳۴۶)

ب- عفو خصوصی یا عفو رهبری

قابل اعمال به موجب ماده ۹۶ ق م ا و بند ۱۱ اصل ۱۱۰ ق ا می باشد.

عفو یا تخفیف مجازات محکومان، در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رییس قوه قضائیه با مقام رهبری است.

موجب بخشودن تمام یا قسمتی از مجازات محکومان می شود.

شامل تمام مجازات ها می گردد مگر قصاص که حق الناس است و حدود که مشمول شرایط خاص است و برخی جرایم مهم که مستلزم تصریح قانونگذار در قوانین و مقررات مربوط به عفو خصوصی می باشند.

موجب پاک شدن محکومیت اط شناسنامه کیفری فرد نخواهد شد.

رافع حق خصوصی ، مسولیت مدنی و انتظامی نیست.

عفو خصوصی در مناسبت های خاص از جمله اعیاد ملی مذهبی اعمال می شود.

موارد زیر مشمول عفو قرار نمی گیرند (ماده ۲۵ آیین نامه کمیسیون عفو مجازات مصوب ۱۳۸۷)

- ۱- قاچاق حرفه ای مواد مخدر
- ۲- مواردی که مجازات آن حق الناس است مانند قصاص.
- ۳- سرقت مسلحانه
- ۴- تجاوز و زنای به عنف
- ۵- مصادیق مهم جرایمی از قبیل جاسوسی، محاربه، قاچاق سلاح و مهمات ، اختلاس، ارتشاء ، آدم ربایی
- ۶- محکومان به جرایم مستوجب حد شرعی اعدام و رجم که جرمشان با شهادت شهود اثبات شده باشد.

نکته، در جرائم موجب حد به استثناء قذف اگر جرم با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب پس از اثبات جرم، دادگاه می تواند عفو مجرم را به وسیله رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید.

نکته، حبس ابد در مرتبه سوم سرقت حدی و سایر حبس هایی که مشمول عنوان تعزیر نیست هرگاه مرتکب حین اجراء مجازات توبه نماید و ولی امر آزادی او را مصلحت بداند با عفو ایشان از حبس آزاد می شود. هم چنین ولی امر می تواند مجازات او را به مجازات تعزیری دیگری مبدل نماید.

۴- نسخ مجازات قانونی:

موضوع مواد ۹۸ و ۱۰۱ قانون مجازات اسلامی

اگر نسخ قانون جزا قبل از تعقیب متهم انجام شود که پرونده توسط دادستان بایگانی می شود
اگر نسخ قانون در مرحله تحقیقات در دادسرا یا قبل از صدور حکم باشد که قرار موقوفی تعقیب صادر می شود
اگر نسخ قانون بعد از صدور حکم قطعی باشد مطابق ماده ۱۰۱ قانون مجازات اسلامی حکم قطعی اجرا نمی شود یا اگر
در حین اجرا باشد متوقف می گردد و اگر اجرا شده باشد اثر کیفری بر آن مترتب نخواهد شد.

انواع نسخ قانون: نسخ یا صریح است یا ضمنی:

نسخ صریح: هرگاه قانون متأخر صریحاً قانون متقدم را نسخ کند. مانند ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ که ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی را نسخ کرده است.

نسخ ضمنی: هرگاه قانونگذار در قانون جدید ماده ای را وضع کند که جمع آن با ماده قانون قبلی امکان نداشته باشد. مثال ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ که ریاست و نظارت بر ضابطین را جزو وظایف رئیس حوزه قضایی می داند اما در بند ب ماده ۳ قانون احیاء داسرا مصوب ۱۳۸۱ ریاست و نظارت با ضابطین با دادستان است جمع بین این ۲ ماده با هم امکان پذیر نیست پس ماده ۱۷ نسخ ضمنی شده است.

۵- گذشت شاکی

اصل بر غیر قابل گذشت بودن جرایم است و قابل گذشت بودن جرم مستلزم تصریح آن قانون است مگر اینکه از حق الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد.

-گذشت در جرایم حدی

گذشت در جرایم حدی فاقد اثر است مگر در حد قذف و حد سرقت با اعمال شرایط قانونی.
-حد قذف حق الناس است و علاوه بر تعقیب، اجراء مجازات نیز منوط به مطالبه مقذوف است. در صورت گذشت مقذوف در هر مرحله، حسب مورد تعقیب، رسیدگی و اجراء مجازات متوقف می شود. حد قذف اگر اجراء نشده و مقذوف نیز گذشت نکرده باشد به همه ورثه به غیر از همسر منتقل می گردد و هریک از ورثه میتواند تعقیب و اجراء آن را مطالبه کند هر چند د یگران گذشت کرده باشند.

از جمله شرایطی که برای سرقت ایجاد حد می نماید آن است که صاحب مال از سارق نزد مرجع قضائی شکایت کرده باشد و قبل از اثبات سرقت سارق را نبخشیده باشد یا مال مسروق را قبل از اثبات جرم به ملکیت سارق در نیاورد باشد بنابراین سرقت موجب حد تا رفع الامر عند الحاکم ، قابل گذشت بوده و اگر یکی از این شرایط مذکور محقق نشده باشد حسب مورد مشمول سرقت های تعزیری خواهد شد.

بعد از اثبات سرقت، گذشت صاحب مال ، مسقط حد نخواهد بود.

-گذشت در جرایم موجب حق قصاص نفس یا عضو

در این جرایم گذشت صاحب حق در هر مرحله از مراحل تعقیب ، رسیدگی یا اجرای حکم چه مجانی چه با مصالحه در برابر حق یا مال مسقط مجازات قصاص است . حق قصاص به ارث می رسد.

-گذشت در جرائم تعزیری قابل گذشت،

نکته در مواردی هم قانونگذار به صورت خاص جرایمی را قابل گذشت اعلام کرده است ماده ۵۱۷ ق م ا یا ماده ۱۱ قانون صدور حکم.

گذشت باید منجر باشد و به گذشت مشروط و معلق ترتیب اثر داده نخواهد شد. همچنین عدول از گذشت مسموع نیست. تأثیر گذشت قیم اتفاقی منوط به تأیید دادستان است.

هرگاه متضررین از جرم متعدد باشند تعقیب جزائی با شکایت هر یک از آنان شروع می شود ولی موقوفی تعقیب، رسیدگی و اجراء مجازات موکول به گذشت تمام کسانی است که شکایت کرده اند.

حق گذشت به وراث قانونی متضرر از جرم، منتقل و در صورت گذشت همگی وراث حسب مورد تعقیب، رسیدگی یا اجراء مجازات موقوف میگردد.

در جرائم موجب حد به استثناء قذف و محاربه توبه به شر زیر موثر است:

در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف، اکراه و یا با اغفال بزه دیده با توبه مجرم حد ساقط شده و مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش (حبس بیش از ۶ ماه تا ۲ سال یا شلاق از ۳۱ تا ۷۴ ضربه یا هر دو آنها) محکوم خواهد شد.

نکته توبه در جرم حدی قذف مطلقا مسقط مجازات نمی باشد. توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد خواهد بود.

توبه در جرایم مستوجب دیه و قصاص

توبه در جرایم تعزیری

-در جرائم تعزیری درجه ۶ و ۷ و ۸ (جرایم موجب مجازات های حبس تا ۲ سال ، جزای نقدی تا ۸۰ میلیون ریال ، شلاق تا ۷۴ ضربه ، محرومیت از حقوق اجتماعی تا ۵ سال و انتشار حکم قطعی در رسانه ها) با توبه مرتکب و احراز ندامت اصلاح او برای قاضی مجازات ساقط می شود.

- در سایر جرائم موجب تعزیر درجه ۱ تا ۵ (جرایم موجب حبس بیش از ۲ سال تا ۳۰ سال، جزای نقدی بیش از ۸۰ میلیون ریال تا یک میلیارد ریال، محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از ۵ سال تا ۱۵ سال، انفصال دائم از خدمات عمومی و دولتی و مصادره اموال) با توبه مرتکب و احراز ندامت اصلاح او برای قاضی امکان تخفیف مجازات وی محقق می گردد. **نکته**، به استناد تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق م ا تعزیرات شرعی از شمول مقررات توبه خارج است . **نکته**، مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آنها اعمال می شود، جاری نمی گردد. **نکته**، در مواردی که توبه مرتکب موجب سقوط یا تخفیف مجازات می گردد، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفا نمی شود.

ضمانت اجرای توبه دروغ

چنان چه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغی شده و مجازات اجراء می گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می شود.

مهلت ارائه توبه

متهم می تواند تا قبل از قطعیت حکم، ادله مربوط به توبه خود را حسب مورد به مقام تعقیب یا رسیدگی ارائه نماید. **نکته** ، چنان چه دادستان مخالف سقوط یا تخفیف مجازات باشد، می تواند به مرجع تجدیدنظر اعتراض کند.

اعمال قاعده درأ

بر مبنای سنت و اخبار روایی مرسله امامیه ، «تدرأ الحدود بالشبهات» موجد قاعده ای تحت عنوان قاعده درأ در قواعد فقه جزایی شده است و مبین آن می باشد که هر گاه وقوع جرم و یا انتساب آن به متهم و یا مسولیت و استحقاق مجازات وی به جهتی، محل تردید و مشکوک باشد به موجب این قاعده بایستی جرم و مجازات را منتفی دانست.

شمول قاعده درأ

-فقها در شمول قاعده نسبت به «شبهات موضوعیه» اختلافی ندارند و شمول قاعده نسبت به این گونه شبهات ، قدر متیقن حجیت این قاعده بین فقهاست.

-در مورد «شبهات حکمیه» نظر بر این است که قاعده درأ در شبهات حکمیه قصوری اعمال می شود اما عذر جاهل مقصر مسموع نیست و جل مقصر، عذر محسوب نمی شود.

اعمال قاعده درأ در نظام کیفری ما(مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ ق م ا)

-اگر وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هریک از شرایط مسؤولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نخواهد شد.

-در جرائم موجب حد به استثناء محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نخواهد شد.

د) مرور زمان در امور کیفری (مواد ۱۰۵ و ۱۱۳ ق م ا)

مرور زمان در امور کیفری تأسیسی است که عبارت است از گذشت مدت زمان قانونی که پس از آن جرم قابل تعقیب و رسیدگی نبوده و یا مجازات قابل اجرا نباشد در نظام عدالت کیفری ایران، مرور زمان فقط در جرایم قابل تعزیر غیر شرعی پذیرفته شده است. با به عبارت دیگر مرور زمان یعنی گذشت مدت زمانی که پس از آن اعلام شکایت یا اقدام تعقیبی یا اجرای مجازات امکان پذیر نیست.

انواع مرور زمان:

- ۱- مرور زمان کیفری شکایت: که این مرور زمان از تاریخ وقوع جرم شروع می شود.
 - ۲- مرور زمان کیفری تعقیب: این مرور زمان از اولین اقدام تعقیبی شروع می شود. اقدام تعقیبی یا تحقیقی اقدامی است که مقامات قضائی در اجراء یک وظیفه قانونی از قبیل: جلب، احضار، بازجویی، استماع اظهارات شهود و مطلعین، تحقیقات یا معاینه محلی و نیابت قضائی انجام می دهند.
 - ۳- مرور زمان مجازات: این مرور زمان از تاریخ قطعیت حکم شروع می شود.
- نکته،** در مورد صدور قرار اناطه، مرور زمان تعقیب از تاریخ قطعیت رأی مرجعی که رسیدگی کیفری منوط به صدور آن است، شروع می شود.

ویژگیهای مرور زمان کیفری:

- ۱- اینکه مقررات آن جزو قوانین آمره است و غیر قابل تراضی طرفین است زیرا با نظم عمومی در ارتباط است.
 - ۲- غیر قابل اسقاط از جانب طرفین است.
 - ۳- قابل طرح در تمامی مراحل دادرسی است.
 - ۴- مستند به تبصره ماده ۱۱۵ و نیز مقررات مربوط به مرور زمان، فقط جرایم تعزیری غیر شرعی مشمول مرور زمان قرار می گیرند مانند عدم ثبت واقعه ازدواج و..
 - ۵- در مواردی که مجازات قانونی جرم حبس یا جزای نقدی یا شلاق یا هر سه باشد مدت حبس ملاک احتساب خواهد بود
 - ۶- موقوف شدن تعقیب، صدور حکم یا اجرای مجازات مانع استیفای حقوق شاکی و مدعی خصوصی نخواهد بود و مدعی خصوصی می تواند دعوای خصوصی را در مرجع صالح اقامه نماید.
- ### **جرایمی که مشمول مرور زمان قرار نمی گیرند**
- جرایم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجراء مجازات نخواهد شد:
- ۱- جرایم موجب حد، قصاص و دیه و تعزیرات شرعی
 - ۲- جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور،
 - ۳- جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر.
 - ۴- جرایم اقتصادی جرایم اقتصادی مشروط بر این که میزان موضوع جرم بیش از یکصد میلیون ریال باشد با ملاک ماده ۳۶ ق م ا: رشاء - ارتشاء - اختلاس - اعمال نفوذ برخلاف حق - مداخله متصدیان دولتی و کشوری - تبانی در معاملات خارجی - اخذپورسانت در معاملات خارجی - تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت - جرایم گمرکی - قاچاق کالا - جرایم مالیاتی - پولشویی - اختلال در نظام اقتصادی کشور - تصرف غیرقانونی در اموال دولتی یا عمومی - صدور چک با علم به مسدود بودن حساب (ماده ۱۰ قانون صدور چک)

مبدأ مرور زمان کیفری:

در جرایم آنی: مرور زمان از فردای روز ارتکاب جرم شروع می شود مثلاً در جرم خیانت در امانت از تاریخ مطالبه مالک وانکار امین...

در جرایم مستمر: مرور زمان از لحظه قطع استمرار شروع می شود. مثلاً در جرم اخفای مال مسروقه از تاریخ خروج مال از تصرف مخفی کننده .

در جرایم به عادت: مرور زمان از تاریخ آخرین عمل تشکیل دهنده جرم شروع می شود مثلاً در تکدی گری پس از ارتکاب تکدی در مرتبه دوم.

در جرایم مرکب: مثل در جرم نهب و غارت و اتلاف اموال ، اجناس یا محصولات غیر مرور زمان از تاریخ تحقق آخرین جزء جرم که سبب کامل شدن آن می شود شروع می گردد از فردای اتلاف اموال . یا در کلاهبرداری در لحظه تحصیل مال غیر.

نخست، مرور زمان کیفری شکایت:

الف-مبدأ مرور زمان شکایت:

۱- از تاریخ اطلاع از وقوع جرم است

۲- در موارد تحت سلطه بودن شاکی یا عدم امکان شکایت به دلیل مانع خارجی از تاریخ رفع مانع است.

۳- در صورت فوت شاکی قبل از انقضاء مرور زمان شکایت ، به مدت ۶ ماه از تاریخ فوت شاکی است

ب-مواعد مرور زمان شکایت در جرایم قابل گذشت:

به موجب ماده ۱۰۶ ق م ا در جرایم قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت ۱ سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند حق شکایت کیفری او ساقط می شود . استثناء: در این موارد مهلت مرور زمان از تاریخ رفع مانع محاسبه می شود. تحت سلطه بودن متضرر از جرم توسط متهم و یا عدم قدرت شکایت به دلیلی خارج از اختیار در این موارد مرور زمان از تاریخ رفع مانع محاسبه می گردد.

-در صورت فوت شاکی قبل از انقضاء مهلت مرور زمان شکایت اگر دلیلی بر صرف نظر کردن وی از طرح شکایت نباشد هر یک از ورثه وی در مهلت ۶ ماه از تاریخ فوت حق شکایت دارند.

-با گذشت مهلت ۱ ساله مرور زمان کیفری شکایت و اثبات عدم قدرت شکایت به دلیلی خارج از اختیار شاکی و یا فوت شاکی قبل از انقضاء مهلت مرور زمان شکایت ، در صورتی به شکایت شاکی یا ورثه رسیدگی می شود که جرم مشمول مرور زمان کیفری تعقیب یا رسیدگی نشده باشد.

-با گذشت مهلت ۱ ساله مرور زمان کیفری شکایت و اثبات این که شاکی تحت سلطه متهم بوده است به شکایت شاکی رسیدگی می شود حتی اگر جرم مشمول مرور زمان کیفری تعقیب یا رسیدگی شده باشد.

تبصره_ جز در مواردی که شاکی تحت سلطه متهم بوده، در صورتی به شکایت وی یا ورثه او رسیدگی خواهد شد که جرم موضوع شکایت برابر ماده قبل مشمول مرور زمان نباشد.

ج-مواعد مرور زمان شکایت در جرایم غیر قابل گذشت :

جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۳ با انقضاء ۱۵ سال

جرایم تعزیری درجه ۴ با انقضای ۱۰ سال

جرایم تعزیری درجه ۵ با انقضای ۷ سال

جرایم تعزیری درجه ۶ با انقضای ۵ سال
جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ با انقضای ۳ سال
از تاریخ وقوع یا اولین اقدام تعقیبی مانند احضار، جلب، بازجویی و.... اگر منتهی به صدور حکم قطعی نشده باشد مشمول مرور زمان قرار می گیرند.
در جرایم قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت ۱ سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند حق شکایت کیفری او ساقط می شود و....

دوم، مرور زمان تعقیب و رسیدگی

مرور زمان در صورتی تعقیب جرایم موجب تعزیر را موقوف می کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضاء مواعد قانونی، تعقیب نشده یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضاء مواعد قانونی به صدور حکم منتهی نشده باشد.

الف، مبدأ مرور زمان تعقیب

- ۱- از تاریخ وقوع جرم
- ۲- در مورد صدور قرار اناطه، مرور زمان تعقیب از تاریخ قطعیت رأی مرجعی که رسیدگی کیفری منوط به صدور آن است، شروع می شود.

ب-مواعد مرور زمان کیفری تعقیب و رسیدگی :

- جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۳ با انقضای ۱۵ سال
- جرایم تعزیری درجه ۴ با انقضای ۱۰ سال
- جرایم تعزیری درجه ۵ با انقضای ۷ سال
- جرایم تعزیری درجه ۶ با انقضای ۵ سال
- جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ با انقضای ۳ سال

سوم، مرور زمان اجرای حکم

مرور زمان، اجرای احکام قطعی در جرایم تعزیری را موقوف می کند و مدت آن از تاریخ قطعیت حکم شروع می شود.

الف-مبدأ مرور زمان اجرای حکم(مجازات)

- ۱- از تاریخ قطعیت حکم کیفری است
- ۲- در صورت وجود مانع خارجی در اجرای حکم یا در صورت لزوم گذشت مدتی برای اجرای حکم، مرور زمان از تاریخ انقضای آن مدت یا رفع مانع محاسبه می شود.
- ۳- اگر اجرای مجازاتی که شروع شده است قطع گردد تاریخ شروع مرور زمان از تاریخ قطع اجرای مجازات محاسبه می شود.
- ۴- در صورت قطع اجرای مجازات بیش از یک مرتبه، تاریخ شروع مرور زمان از تاریخ آخرین انقطاع محاسبه می گردد.
- ۵- اگر نسبت به یک شخص به موجب حکم یا احکامی محکومیت های قطعی متعدد صادر شود، شروع به اجرای هر یک از محکومیت ها، نسبت به دیگر محکومیت ها قاطع مرور زمان خواهد بود.
- ۶- در موارد تعلیق اجرای مجازات یا اعطای آزادی مشروط، در صورت لغو قرار تعلیق یا لغو حکم آزادی مشروط، شروع مرور زمان، از تاریخ لغو قرار یا حکم خواهد بود.

۷- اگر اجرای مجازات بر اثر رفتار عمدی محکوم قطع شده باشد مرور زمان اعمال نمی شود.
۸- مرور زمان اجرای احکام دادگاه ای خارج از کشور نسبت به اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقت نامه های قانونی مشمول مقررات این ماده است.

ب-مواعد مرور زمان اجرای حکم(مجازات)

- ۱-درجرائم تعزیری درجه ۱ تا ۳ با انقضای ۲۰ سال
 - ۲-درجرائم تعزیری درجه ۴ با انقضای ۱۵ سال
 - ۳-درجرائم تعزیری درجه ۵ با انقضای ۱۰ سال
 - ۴-درجرائم تعزیری درجه ۶ با انقضای ۷ سال
 - ۵-درجرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ با انقضای ۵ سال
- بنابراین اگر پس از صدور حکم قطعی این مواعد سپری شده باشد اجرای حکم قطعی تعزیری موقوف می شود.
نکته:به موجب رأی وحدت رویه شماره ۶۵۹ مورخ ۱۳۸۱/۳/۷ جرم تصرف عدوانی تا پایان ادامه و استمرار تصرف،مشمول مرور زمان قرار نمی گیرد

ج-آثار قطع مرور زمان کیفری

- ۱- قطع مرور زمان مطلق است و نسبت به کلیه شرکاء و معاونان اعم از آن که تعقیب شده یا نشده باشند، اعمال می شود، هر چند تعقیب تنها نسبت به یکی از آنها شروع شده باشد.
- ۲-همچنین شروع به اجرای حکم نسبت به برخی از شرکاء و یا معاونان جرم قاطع مرور زمان نسبت به دیگر محکومان خواهد بود.
- ۳- موقوف شدن تعقیب، صدور حکم یا اجراء مجازات، مانع از استیفاء حقوق مدعی خصوصی نیست و متضرر از جرم می تواند دعوای خصوصی را در مرجع صالح اقامه نماید.